



مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَمْسَىٰ وَهُوَ شَاوِسٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

هر کس، مرد یا زن، عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد قطعاً "حیات طیب" (زندگانی پاک و پسندیده) زنده اش می‌داریم، و همانا آن‌ها را، در برابر بهترین اعمالی که انجام داده‌اند، پاداش خواهیم داد.

قرآن کریم: نحل ۹۷

تضییع تربیت یک ملت به این است که فرهنگ آن ملت، فرهنگ صحیح باشد. شما کوشش کنید که فرهنگ را فرهنگ مستقل اسلامی درست کنید.

امام خمینی (ره) - ۵۸/۳/۲۱

تحول یک کلمه است لکن در پشت این وجود لفظی، در پشت این کلمه، یک دنیا کار نهفته است.

«بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) ۱۳۸۶/۵/۳»

باسمه تعالی

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل ۹۷)

هر کس، مرد یا زن، عمل صالح انجام دهد و مؤمن باشد، قطعاً به «حیات طیبه» زنده اش می‌داریم و همانا آن‌ها را، در برابر بهترین اعمالی که انجام داده‌اند، پاداش خواهیم داد.

پیش‌گفتار:

تحول بنیادین در آموزش و پرورش، تحولی عمیق و ریشه‌ای است که به تحول در مفاهیم نظری، روندها و فرایندها، نقش‌ها و کارکردها و رویکردها منجر خواهد شد. در تحول بنیادین نوع نگاه به معلم، کتاب، مدرسه، کلاس درس و به ویژه دانش‌آموز دگرگون خواهد شد. این نگاه، معلم را در قله می‌بیند و همه شرایط و امکانات را برای الگوپذیری و تأسی دانش‌آموز به معلم جهت دستیابی به قله‌های انسانیت، علم و ادب و اخلاق فراهم می‌آورد. تفکر و تعقل، خلاقیت و نوآوری، بهره‌مندی از روش‌های نوین و فناوری‌های جدید، ایجاد محیطی با نشاط و شاداب، برپایی مدرسه دوست‌داشتنی، همه و همه در خدمت تربیت دانش‌آموزان برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه و قرب الهی می‌باشند. تحقق این مهم نیازمند باز مهندسی نیروی انسانی با محوریت استقرار نظام رتبه‌بندی و نظام جذب و نگهداشت معلمان می‌باشد که به لطف الهی در دستور کار قرار دارد.

اینک که «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» به مثابه قانون اساسی برای تحولات همه جانبه و دراز مدت به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش رسیده و در دستور کار وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته است، باید تمام زیر نظام‌ها و مؤلفه‌های خرد و کلان نظام تعلیم و تربیت مورد بازخوانی و بازتولید قرار گیرد.

«برنامه درسی ملی» به عنوان یکی از زیر نظام‌های اصلی سند تحول بنیادین و به منزله نقشه جامع یادگیری، زمینه ایجاد تحول همه جانبه، گسترده و عمیق در مفاهیم و محتوای آموزشی را فراهم می‌آورد. این برنامه تحول‌آفرین

با تدارک فرصت‌های تربیتی متنوع و جامع، درصدد است تا امکان کسب شایستگی‌های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت براساس نظام معیار اسلامی توسط دانش‌آموزان را میسر سازد و آنان را برای تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش تا دستیابی به مراتبی از حیات طیبه یاری رساند. رسالت خطیر برنامه درسی ملی فراهم آوردن ساز و کارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌های درسی در سطوح ملی تا محلی می‌باشد تا مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مفاهیم آموزشی و تربیتی به صورت نظام‌مند و ساختار یافته در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد و محیطی با نشاط و مدرسه دوست داشتنی را به تصویر بکشاند.

از آنجا که موضوع برنامه‌ریزی درسی، یک رشته نوپا در کشور می‌باشد، لذا تدوین برنامه‌های آموزشی، تألیف کتاب‌های درسی، تعیین زمان و ساعات آموزش، روش‌های تدریس، بهره‌گیری از روش‌های متنوع یادگیری و تکنولوژی آموزشی در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از یک برنامه جامع و همه‌جانبه نگر مبتنی بر فرهنگ اسلامی ایرانی تبعیت نمی‌کرده است که این امر آسیب‌ها و کاستی‌های فراوانی را به همراه داشته است. با گذشت زمان و افزایش دانش فنی در زمینه طراحی و تولید برنامه‌های درسی و انباشت تجربیات مفید و مغتنم و انجام پژوهش‌ها و مطالعات داخلی و تطبیقی، ضرورت تدوین یک برنامه راهبردی و جامع برای ساماندهی بهینه برنامه درسی و تولید محتواهای آموزشی در دوره‌ها و سطوح مختلف یادگیری بیش از پیش احساس می‌شد.

در پاسخ به این نیاز آموزشی و تربیتی، نظام تعلیم و تربیت، کارگروهی از خبرگان و کارشناسان ارشد آموزش و پرورش را با همکاری صاحب نظران و استادان حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها مأمور تدوین برنامه درسی ملی نمود. کار تحقیق و پژوهش و تدوین این سند از اسفند ماه ۱۳۸۴ با تشکیل دبیرخانه طرح در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آغاز شد و پس از انجام مطالعات اولیه و ابلاغ مصوبه هفتصد و چهل و پنجمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش در اردیبهشت ماه ۸۶، با پشتوانه نیرومند حقوقی ادامه یافت. با توجه به تعیین اهداف، تعریف و حدود طرح و خروجی مورد انتظار، کمیته‌های هفت‌گانه تخصصی به شرح ذیل تشکیل شد:

۱- کمیته کلیات، اصول و مبانی ۲- کمیته محتوای آموزشی، پرورشی و حوزه‌های یادگیری ۳- کمیته ساختار، مقاطع، رشته‌ها و زمان ۴- کمیته میزان اختیارات و کاهش تمرکز ۵- کمیته ارزش‌یابی از پیشرفت تحصیلی و راهبردهای یاددهی - یادگیری ۶- کمیته مواد، رسانه‌ها و محیط‌های یادگیری ۷- کمیته ارزش‌یابی از برنامه درسی ملی و اقتضائات اجرایی. همچنین برای جلب مشارکت فعال حوزه‌های صف و ستاد، کمیته‌های استانی و کمیته‌های ستادی طرح، آغاز به کار کردند.

خوشبختانه با تلاش خستگی‌ناپذیر دست‌اندرکاران، اولین نگاشت این برنامه سرنوشت ساز و تحول‌آفرین،

در بهمن ماه ۱۳۸۷ آماده شد. هم زمان با بررسی و تصویب سند تحول بنیادین در شورای عالی آموزش و پرورش (آذرماه ۱۳۸۸) و با عنایت به راهکار ۱-۱ سند مذکور، کار بررسی و اصلاح برنامه درسی ملی نیز سرعت یافت و تا سال ۱۳۹۰ بارها در معرض نقد و بررسی صاحب نظران، مدیران و معلمان قرار گرفت و سیر تکاملی خود را سپری کرد تا به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه شد. در دبیرخانه شورای عالی با تشکیل کار گروهی مرکب از کارشناسان شورا و جمعی از دست اندرکاران تدوین و صاحب نظران سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ضمن وفاداری به بنیان‌های اصلی برنامه از جمله الگوی هدف گذاری و عناصر و عرصه‌های چهارگانه ارتباطی و با تکیه بر مبانی و دلالت‌های مفاهیم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، متن جدید بازنگری، اصلاح و آماده شد. جلسات هماهنگی برای تفاهم و اجماع بر اصول و مبانی سند را که اینجانب نیز بر آن تأکید داشتم برگزار و طرح را نهایی نمودیم. بالاخره پس از ۱۱ جلسه، به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید و برگ زرینی به تاریخ آموزش و پرورش کشور افزوده شد.

اینک یادآوری چند نکته را ضروری می‌داند:

- ۱- تدوین و تصویب برنامه درسی ملی به عنوان نقشه جامع یادگیری برای اولین بار در تاریخ آموزش و پرورش افتخار بزرگی است که خداوند نصیب فرمود؛ بر این موهبت بزرگ الهی سر تعظیم فرود آورده و شکرگزاری می‌کنیم.
- ۲- این برنامه باید نقشه راه کلیه سیاست گذاری‌ها و تولید محتوای آموزشی و تربیتی از جمله تولید راهنمای برنامه‌های درسی دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی، تعیین زمان و ساعات آموزشی تدوین و تألیف کتاب‌های درسی و کمک آموزشی، تولید بسته‌های آموزشی، رسانه‌های دیداری و شنیداری و الکترونیکی و ... قرار گیرد.
- ۳- اجرای مطلوب این برنامه، نیازمند مساعدت و توجه ویژه معلمان عزیز و بهره‌مندی از صلاحیت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای و تخصصی مناسب آنان می‌باشد، لذا مفاد آن باید در مهندسی نیروی انسانی و در برنامه‌های آموزشی، جذب و توانمندسازی و بازآموزی معلمان در سطوح مختلف توسط دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی و مراکز آموزشی‌های ضمن خدمت مورد توجه جدی قرار گیرد.
- ۴- تدوین برنامه راهبردی و جامع یادگیری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و معارف و حیانی، متناسب با نیازهای حال و آینده جامعه در دنیای متحول کنونی، منطبق با ویژگی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان و بهره‌مند از آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی، کار سترگ و بلندی است که با عنایات الهی و تلاش دست اندرکاران، گام نخست آن برداشته شد و تکمیل و تکامل آن نیازمند همراهی و مساعدت صاحب نظران و کارشناسان مجرب است که همگان را به یاری می‌طلبیم.
- ۵- در پایان لازم می‌دانم از تلاش‌ها و زحمات کلیه کارشناسان، محققان و پژوهشگران، دست‌اندرکاران،

مستولان کمیته‌ها و مجریان و مشاوران این طرح ملی در ستاد، استان‌ها، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دبیرخانه و اعضای شورای عالی آموزش و پرورش، شورای معاونان وزارت آموزش و پرورش و به ویژه حجت الاسلام علی ذوعلم مدیر طرح، حجت الاسلام محمدیان رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مهندس مهدی نوید ادهم دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش و وزرای آموزش و پرورش تشکر نمایم و از خداوند متعال مسألت دارم این کار مهم و تأثیر گذار را که در طول ۴۰ ماه گذشته مسئولیتیم دغدغه اساسی اینجانب و همکاران عزیزم بوده است توشه آخرت قرار دهد.

«من الله التوفیق و علیه التکلان»

دکتر حمید رضا حاجی بابایی

وزیر آموزش و پرورش

برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران^۱

برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران که در جلسات ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱ و ۸۷۲ تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۹، ۱۳۹۰/۱۲/۱۶، ۱۳۹۱/۵/۳، ۱۳۹۱/۵/۹، ۱۳۹۱/۵/۱۶، ۱۳۹۱/۵/۲۳، ۱۳۹۱/۵/۳۱، ۱۳۹۱/۶/۶، ۱۳۹۱/۶/۱۳، ۱۳۹۱/۶/۲۰ و ۱۳۹۱/۶/۲۸ به تصویب نهایی رسیده است، به شرح زیر برای اجرا ابلاغ می‌شود:

۱- مبانی فلسفی و علمی برنامه درسی ملی

مبانی فلسفی و علمی این برنامه همانند سایر اسناد هم‌تراز خود مبتنی بر مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی) می‌باشد و از این مجموعه، آن بخش از مبانی که مستقیماً به حوزه‌ی برنامه درسی دلالت دارد و به عنوان مبانی خاص برنامه درسی تلقی می‌شود، در پیوست آمده است.

۲- چشم‌انداز

برنامه‌های درسی و تربیتی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در راستای فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی، با تکیه بر میراث گران‌بها و ماندگار رسول الله (ص)-قرآن کریم و عترت (ع)-تحقق جامعه عدل مهدوی (عج) و چشم‌انداز نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴^۲ با

۱- برنامه درسی ملی سندی است که نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به‌منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌نماید.

۲- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی- آذر ماه ۱۳۹۰

بهره‌گیری از الگویی پیشرفته و بومی زمینه تربیت نسلی^۱ موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و خردمند، دانش‌پژوه و علاقمند به علم و آگاهی، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و تلاش‌گر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خود‌باور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و با حیا، انتخابگر و آزاد منش، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین، مقتصد و ماهر، سالم و با نشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر، وفادار به ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی را فراهم می‌سازد.

این برنامه‌ها دارای ویژگی‌های زیر است :

- ۱- مبتنی بر مبانی و ارزش‌ها و معارف اسلام ناب محمدی (ص)؛
- ۲- برخوردار از یافته‌های معتبر علمی و پژوهشی با تأکید بر بومی‌سازی آن‌ها؛
- ۳- بهره‌مند از دستاوردها و یافته‌های علمی فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی؛
- ۴- منسجم، متعادل، کارآمد، نشاط‌آفرین، پویا، انعطاف‌پذیر و مشارکت‌پذیر در تولید و اجرا؛
- ۵- ناظر به ویژگی‌ها، نیازها و فطرت الهی دانش‌آموزان و نیازهای اساسی جامعه؛
- ۶- بهره‌مند از تجربه‌های موفق ملی و جهانی با استفاده از ابزارها و شیوه‌های علمی و اثربخش؛
- ۷- برخوردار از رویکردی نوآورانه، آینده‌پژوهانه، واقع‌بینانه، متناسب با فطرت الهی انسان؛
- ۸- تأکید کننده بر نقش مدرسه به عنوان جلوه‌ای از تحقق مراتبی از حیات طیبه و زمینه‌ساز جامعه عدل مهدوی (عج)^۲ و کانون اصلی تحقق اهداف برنامه‌های درسی و تربیتی.

۱- برگرفته از هدف‌های کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی - آذر ماه ۱۳۹۰

۲- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی - آذر ماه ۱۳۹۰ ص ۱۷

۳- اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی

این اصول به صورت هماهنگ و درهم تنیده ناظر بر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت برنامه‌های درسی و تربیتی از سطح ملی تا سطح مدرسه است:

۳-۱- دین محوری

تمامی اجزا و عناصر برنامه‌های درسی و تربیتی باید مبتنی بر مبانی توحیدی و اصول و ارزش‌های اسلام ناب محمدی (ص) باشد. این اصل بر سایر اصول نیز حاکم می‌باشد.

۳-۲- تقویت هویت ملی

برنامه‌های درسی و تربیتی باید زمینه تقویت و پایداری هویت ملی را با تأکید بر تعمیق باورها و ارزش‌های اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، زبان و ادبیات فارسی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، میهن دوستی، وحدت و انسجام فرهنگی، استقلال ملی و همبستگی اسلامی فراهم آورد.

۳-۳- اعتبار نقش یادگیرنده

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش فعال، داوطلبانه و آگاهانه دانش‌آموز در فرآیند یاددهی-یادگیری و تربیت‌پذیری توجه نماید و زمینه تقویت و توسعه روحیه پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و کارآفرینی را در وی فراهم سازد.

۳-۴- اعتبار نقش مرجعیت معلم (مربی)^۱

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نقش مرجعیت^۲ معلم در هدایت تربیتی برای تقدم تزکیه بر تعلیم، غنی‌سازی محیط تربیتی و یادگیری، فعال‌سازی دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری و تربیت‌پذیری و ترغیب آنان نسبت به یادگیری مستمر توجه نماید. همچنین زمینه‌ی ارتقاء صلاحیت‌های اعتقادی، اخلاقی، حرفه‌ای و تخصصی معلم را فراهم سازد.

۱- در این سند واژه‌های معلم و مربی مترادف هم به کار رفته است و به فردی اطلاق می‌شود که رسالت خطیر تربیت دانش‌آموزان را در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر عهده دارد. (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی - آذر ماه ۱۳۹۰)

۲- مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی - آذر ماه ۱۳۹۰ - ص ۲۷۹

۳-۵- اعتبار نقش پایه‌ای خانواده

برنامه‌های درسی و تربیتی باید ضمن تقویت بنیان خانواده و تحکیم مناسبات خانوادگی و صله رحم، زمینه کسب شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم برای تشکیل و مدیریت خانواده مبتنی بر ارزش‌ها و معارف الهی و تعمیق آداب و سبک زندگی اسلامی- ایرانی دانش‌آموزان را فراهم آورد.

۳-۶- جامعیت

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به نیازهای گوناگون دانش‌آموزان و جامعه در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی در کلیه ساحت‌های تعلیم و تربیت^۱ تأکید کند.

۳-۷- توجه به تفاوت‌ها

برنامه‌های درسی و تربیتی باید ضمن تأکید بر ویژگی‌های مشترک، به تفاوت‌های ناشی از محیط زندگی (شهری، روستایی، عشایری، فرهنگی و جغرافیایی)، جنسیتی و فردی دانش‌آموزان (استعدادها، توانایی‌ها، نیازها و علایق) توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشند.

۳-۸- تعادل

برنامه‌های درسی و تربیتی باید به رعایت تعادل و پرهیز از افراط و تفریط و رعایت تناسب و توازن در توجه به ساحت‌های تعلیم و تربیت، هدف و محتوا و بهره‌گیری از روش‌های متفاوت در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی از برنامه‌ها پایبند باشد.

۳-۹- یادگیری مادام‌العمر

برنامه‌های درسی و تربیتی باید زمینه کسب شایستگی‌ها و مهارت‌های لازم برای استمرار و معنادار شدن یادگیری و پیوستگی تجارب یادگیری در زندگی را برای دانش‌آموزان تأمین کند.

۳-۱۰- جلب مشارکت و تعامل

فرآیند برنامه‌ریزی درسی و تربیتی باید زمینه مشارکت و تعامل مؤثر معلمان، دانش‌آموزان،

۱- ساحت‌ها شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه است. (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی- آذرماه ۱۳۹۰)

خانواده‌ها و سایر گروه‌های ذینفع، ذریط و ذیصلاح را در طراحی، تولید، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌ها فراهم نمایند.

۱۱-۳- یکپارچگی و فراگیری

برنامه‌های درسی و تربیتی باید برای تمام دانش‌آموزان (دانش‌آموزان عادی، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و استعدادهای درخشان) به صورت به هم پیوسته و یکپارچه طراحی و تدوین شود. این برنامه‌ها باید با رعایت انعطاف‌پذیری، با نیازهای هریک از گروه‌های دانش‌آموزان با نیازها و استعدادهای خاص انطباق و سازگاری داده شود.^۱

۴- رویکرد و جهت‌گیری کلی

رویکرد برنامه‌های درسی و تربیتی «فطرت‌گرایی توحیدی» است. اتخاذ این رویکرد به معنای زمینه‌سازی لازم جهت شکوفایی فطرت الهی^۲ دانش‌آموزان از طریق درک و اصلاح مداوم موقعیت^۳ آنان به منظور دست‌یابی به مراتبی از حیات طیبه است.

در این رویکرد:

۱-۴- دانش‌آموز:

۱- امانت الهی و دارای کرامت ذاتی است.

۲- فطرت الهی در وجود او نهفته است و قابلیت شکوفایی و فعلیت یافتن دارد.

۱- تغییرات ناشی از این انطباق و سازگاری باید به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش برسد.

۲- فطرت سرشتی الهی در وجود آدمی است: یعنی آدمی نسبت به مبدأ عالم هستی معرفت و گرایشی اصیل (غیر اکسایبی) دارد. این فطرت می‌تواند فعلیت یافته، صیقل بخورد و توسعه پذیرد و می‌تواند به فراموشی سپرده شود. فطرت در جنبه معرفتی آن، معرفت حضوری انسان به خداست و در بعد گرایش، میل به پرستش، حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی و زیبایی‌دوستی از اهم گرایش‌های فطری انسان است. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران - آذرماه ۱۳۹۰ - ص ۵۸ و ۵۹

۳- منظور از موقعیت، وضعیت مشخص، پویا و قابل درک و تغییری است که حاصل تعامل پیوسته فرد به منزله‌ی عنصری آگاه، آزاد و فعال با خداوند و گستره‌ای از جهان هستی (خود، طبیعت و جامعه) در محضر خداوند متعال است (که حقیقتی برتر و خالق همه‌ی جهان و فراتر از همه موقعیت‌ها است). بنیان نظری تحول راهبردی در نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران - ص ۴۴۲

۳- همواره در موقعیت است و می تواند آن را درک کرده و با انتخاب احسن خویش در راستای اصلاح مداوم آن حرکت نماید.

۴- توانایی انتخاب، تصمیم گیری و خویشتن داری دارد و می تواند با محیط یادگیری، رابطه تعاملی برقرار کند و تابع بی چون و چرا و مقهور محیط نیست.

۵- از اراده و انگیزه برخوردار است که در فرآیند یاددهی - یادگیری، نقش اساسی دارد.

۶- در فرآیند یاددهی - یادگیری و تربیت پذیری و توسعه شایستگی های خویش به لحاظ ذاتی نقش فعال دارد.

۷- دارای قابلیت ها، تجربیات، ظرفیت ها و توانایی های گوناگون است.

۲-۴- معلم (مربی):

۱- در مسیر راه انبیا و ائمه اطهار(ع)، اسوه ای امین و بصیر برای دانش آموزان است.

۲- با شناخت و بسط ظرفیت های وجودی دانش آموزان و خلق فرصت های تربیتی و آموزشی زمینه درک و انگیزه اصلاح مداوم موقعیت آنان را فراهم می سازد.

۳- زمینه ساز رشد عقلانی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش آموزان است.

۴- راهنما و راهبر فرآیند یاددهی - یادگیری است.

۵- برای خلق فرصت های تربیتی و آموزشی مسئولیت تطبیق، تدوین، اجرا و ارزش یابی برنامه های درسی و تربیتی در سطح کلاس را بر عهده دارد.

۶- یادگیرنده و پژوهشگر آموزشی و پرورشی است.

۳-۴- محتوا

۱- مبتنی بر ارزش های فرهنگی و تربیتی و سازوار با آموزه های دینی و قرآنی، مجموعه ای منسجم و هماهنگ از فرصت ها و تجربیات یادگیری است که زمینه شکوفایی فطرت الهی، رشد عقلی و فعلیت یافتن عناصر و عرصه ها^۱ را به صورت پیوسته فراهم می آورد.

۱- در هدف گذاری پنج عنصر: تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و چهار عرصه ارتباط دانش آموز با خود، خدا، خلق و خلقت به

صورت بهم پیوسته و با محوریت ارتباط با خدا تبیین و تدوین می شوند.

۲- دربرگیرنده مفاهیم و مهارت‌های اساسی و ایده‌های کلیدی مبتنی بر شایستگی‌های مورد انتظار از دانش‌آموزان است.

۳- برگرفته از یافته‌های علمی و معتبر بشری است.

۴- متناسب با نیازهای حال و آینده، علایق، ویژگی‌های روانشناختی دانش‌آموزان، انتظارات جامعه اسلامی و زمان آموزش است.

۴-۴- یاد دهی - یادگیری :

۱- فرآیندی زمینه‌ساز برای ابراز گرایش‌های فطری، شناخت موقعیت یادگیرنده و اصلاح مداوم آن است.

۲- یادگیری حاصل تعامل خلاق، هدفمند و فعال یادگیرنده با محیط‌های متنوع یادگیری است.

۳- دیدگاه دانش‌آموزان را به‌طور معنادار نسبت به ارتباط با خود، خداوند، دیگران و مخلوقات، تحت تأثیر قرار دهد.

۴-۵- ارزش‌یابی :

۱- به‌صورت مستمر تصویری روشن و همه‌جانبه از موقعیت کنونی دانش‌آموز، فاصله او با موقعیت بعدی و چگونگی اصلاح آن متناسب با ظرفیت‌ها و نیازهای وی ارائه می‌کند.

۲- زمینه انتخاب‌گری، خودمدیریتی و رشد مداوم دانش‌آموز را با تأکید بر خودارزیابی فراهم می‌کند و بهره‌گیری از سایر روش‌ها را زمینه‌ساز تحقق آن می‌داند.

۳- ضمن حفظ کرامت انسانی، کاستی‌های یادگیری را فرصتی برای بهبود موقعیت دانش‌آموز می‌داند.

۴- کاستی‌های یادگیری را فرصتی برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی می‌داند.

۴-۶- محیط یادگیری :

۱- با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظام هستی، محیطی امن، منعطف، پویا، برانگیزاننده و غنی را

برای پاسخگویی به نیازها، علایق و ویژگی‌های دانش‌آموزان تدارک می‌بیند.

۲- مدرسه محیط یادگیری پایه و اصلی است؛ اما یادگیری به آن محدود نمی‌شود و سایر

محیط‌ها نظیر محیط‌های اجتماعی، طبیعی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد.

۳- با بهره‌گیری از ظرفیت و قابلیت محیط‌های مجازی و رسانه‌ها، زمینه بهبود موقعیت دانش‌آموزان و ارتقای کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری را فراهم می‌آورد.

۴- خانواده از محیط‌های مهم و اثربخش تربیت و یادگیری بشمار می‌آید که در تعامل مستمر و مؤثر با مدرسه می‌باشد.

۷-۴- مدیر مدرسه :

۱- معلمی مؤمن، خلاق، متعهد، منعطف، اهل فکر، آینده‌نگر، مشارکت‌پذیر، راهبر تربیتی، مدیر و دارای سعه صدر و صلاحیت‌های حرفه‌ای است.

۲- مسئولیت تأمین و توسعه محیط یادگیری را برای شکوفایی گرایش‌های فطری دانش‌آموزان بر عهده دارد.

۳- مسئولیت خلق موقعیت‌های تربیتی و آموزشی، انطباق یا تدوین، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌های درسی و تربیتی را در سطح مدرسه بر عهده دارد.

۴- با برقراری روابط صحیح، سازنده و پویا، امکان درک و اصلاح مداوم موقعیت را برای کلیه عوامل (کارکنان و خانواده‌ها) و دستیابی به سازمان یادگیرنده فراهم می‌سازد.

۵- از اختیارات متناسب برای پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در کلیه امور مدرسه برخوردار است.

۵- الگوی هدف گذاری

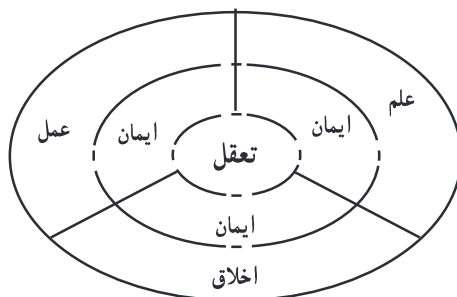
در هدف گذاری برنامه های درسی و تربیتی، شکوفایی فطرت و دستیابی به شئون مختلف حیات طیبه، جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت مبنا قرار گرفته است که در قالب چارچوب مفهومی منسجم و یکپارچه ای در تدوین اهداف سطوح مختلف، راهنمای عمل برنامه ریزان و مجریان خواهد بود.

ساحت های تربیت				
عرصه ها عناصر	رابطه باخویشتن (با محوریت رابطه با خدا)	رابطه با خداوند متعال	رابطه با خلق خدا (سایر انسان ها) (با محوریت رابطه با خدا)	رابطه با خلقت (طبیعت و ...) (با محوریت رابطه با خدا)
تعقل				
ایمان				
علم				
عمل				
اخلاق				

در الگوی هدف گذاری پنج عنصر: تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و چهار عرصه ارتباط دانش آموز با خود، خدا، خلق و خلقت به صورت بهم پیوسته و با محوریت ارتباط با خدا تبیین و تدوین می شوند.

عناصر پنج گانه در شبکه ای مفهومی، مرتبط و به هم تنیده تبیین می شوند و در فرآیند عملی تربیت هر کدام از این عناصر، متناسب با نیازها و شرایط دانش آموز می توانند سرآغاز سیر تربیتی دانش آموز باشند و سایر عناصر را تقویت و تعمیق نمایند. در میان عناصر پنج گانه، عنصر تعقل جنبه محوری دارد.

و سایر عناصر پیرامون آن تعریف و تبیین می‌شوند که هر کدام از آن‌ها نیز دارای مراتب معینی است.



۶- هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی

تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان‌ها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب نمایند.

انتظار می‌رود دانش‌آموزان طی دوره تحصیلات مدرسه‌ای، در مجموعه عناصر پنج‌گانه‌ی الگوی هدف‌گذاری، به مرتبه‌ای از شایستگی‌های پایه دست یابند. این شایستگی‌ها بیان تفصیل یافته‌ای از هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی است.

۷- شایستگی‌های پایه

۷-۱- تعقل:

- ۱- درک وجود خود، نیازها، توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و ابعاد هویت متعالی خویش؛
- ۲- بصیر نسبت به آثار و پیامدهای سبک زندگی خود؛
- ۳- تدبر در صفات، افعال و آیات خداوند متعال به عنوان خالق هستی؛
- ۴- تدبر در نظام خلقت و شگفتی‌های آن.

۷-۲- ایمان :

- ۱- ایمان آگاهانه به توحید، نبوت، معاد، امامت، عدل، عالم غیب و حیات جاودانه؛
- ۲- باور به ربوبیت و حضور حکیمانه همراه با لطف و رحمت خالق یکتا در عرصه هستی؛
- ۳- ایمان به انبیاء الهی، قرآن، پیامبر خاتم(ص)، ائمه معصومین علیهم السلام^۱ و ولایت مطلقه فقیه و نقش بی‌بدیل آن‌ها در هدایت و رستگاری بشر؛
- ۴- باور به نقش دین مبین اسلام^۲ و نظامات آن به عنوان تنها مکتب جامع و کارآمد برای تحقق حیات طیبه؛
- ۵- ایمان به ارزشمندی، هدفمندی و قانون‌مندی خلقت و باور به زیبایی‌های جهان آفرینش به عنوان مظاهر فعل و جمال خداوند؛
- ۶- ایمان به هویت الهی انسان، کرامت او و توانمندی‌های جمعی و فردی انسان.

۷-۳- علم :

- ۱- شناخت خود، ظرفیت‌ها و هویت خویش؛
- ۲- شناخت حق تعالی، صفات، افعال و آیات الهی، معارف دینی و منابع آن؛
- ۳- علم نسبت به پدیده‌ها، روابط، رویدادها و قوانین جهان آفرینش و چگونگی برقراری ارتباط انسان با آن‌ها و بهره‌برداری بهینه از آنان؛
- ۴- علم نسبت به روابط، نقش‌ها، حقوق و وظایف خود و افراد و اهمیت آن‌ها در زندگی اجتماعی؛
- ۵- علم نسبت به گذشته و حال جوامع بشری به ویژه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران؛

۱- بر طبق اصول دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم قانون اساسی، پیروان ادیان و مذاهب رسمی، اجازه آموزش ویژه مذهبی را دارند، اما این آموزش‌ها باید تحت نظارت دولت باشد تا با مقتضیات زندگی مسالمت آمیز و توأم با تفاهم بین پیروان ادیان و مذاهب، منافاتی نداشته باشد. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران- آذر ماه ۱۳۹۰- ص ۲۴۳

۲- با توجه به اهمیت مسئله اقلیت‌ها و قومیت‌ها در اتحاد و انسجام ملی و اسلامی، رعایت حقوق اقلیت‌ها اشاره شده در قانون اساسی (اصل دوازدهم، اصل چهاردهم، اصل نهم و اصل دوم بند ششم) آموزش وجوه مشترک ادیان و مذاهب، سیاست مناسبی است. همان منبع

- ۶- آشنایی با ویژگی‌های نظام مردم سالار دینی و جایگاه و رسالت جهانی ایران اسلامی؛
۷- آشنایی با روش‌های رمزگشایی پدیده‌ها و رمزگردانی آن‌ها و ابراز آن به زبان زیباشناسی و

هنر.

۴-۷- عمل :

- ۱- عمل به آموزه‌های دینی و انجام آگاهانه و مؤمنانه واجبات و ترک محرمات؛
۲- به‌کارگیری ظرفیت‌های وجودی خود برای دستیابی به هویت متعادل و یکپارچه در مسیر رشد و تعالی خود و جامعه؛
۳- به‌کارگیری آداب و مهارت‌ها و سبک زندگی اسلامی - ایرانی؛
۴- به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کار و زندگی؛
۵- بهره‌گیری از مهارت‌های پایه برای شکل‌دهی هویت حرفه‌ای آینده خود به‌صورت مولد و کارآفرین؛
۶- بهره‌گیری آگاهانه از یافته‌های علمی، هنری، فنی، حرفه‌ای و بهداشتی و زیستی و تلاش مؤثر برای تولید و توسعه آن‌ها؛
۷- حفظ و تعالی محیط زیست، میراث فرهنگی و سرمایه‌های طبیعی؛
۸- به‌کارگیری مهارت‌های زبان و ادبیات فارسی و زبان عربی به‌عنوان زبان دین؛
۹- به‌کارگیری مهارت‌های یک زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی، با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی.

۵-۷- اخلاق :

- ۱- رعایت تقوی الهی در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی؛
۲- متعهد به ارزش‌های اخلاقی از جمله: صدق، صبر، احسان و رأفت، حسن خلق، حیا، شجاعت، خویش‌داری، قدرشناسی، رضا، عدالت، قناعت، نوع دوستی و تکریم والدین و معلم در شئون و مناسبات فردی و اجتماعی؛
۳- ارزش قائل شدن برای کار و معاش حلال و داشتن روحیه تلاش مستمر؛

- ۴- ارزشمند دانستن عالم، علم آموزی و یادگیری مادام العمر؛
- ۵- تقدم بخشیدن منافع ملی بر گروهی و منافع جمعی بر فردی؛
- ۶- ارزش قائل شدن برای مخلوقات هستی و محیط زیست؛
- ۷- التزام به اصول و ارزش‌های اخلاقی در استفاده از علوم و فناوری‌های نوین.

۸- حوزه‌های تربیت و یادگیری

حوزه‌های تربیت و یادگیری، حدود محتوایی، روش‌ها، فرایندها، و عناصر کلیدی یادگیری را روشن می‌سازند. این حوزه‌ها با یکدیگر ارتباط داشته لیکن عناوین موضوعات درسی در دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی لزوماً معادل عناوین حوزه‌ها نخواهد بود و مفاهیم حوزه‌های یادگیری به صورت تلفیقی ارائه خواهد شد. ملاحظات و مفروضات اولیه در استنباط و تعیین حوزه‌های یادگیری، ارتباط آن‌ها با هدف کلی برنامه درسی ملی، الگوی هدف‌گذاری؛ شایستگی‌های پایه؛ هم‌خوانی با اسناد فرادستی و هماهنگی با اصول حاکم بر برنامه است.

اهداف هر یک از حوزه‌های یادگیری از منابع زیر اخذ خواهند شد :

الف) اهداف دوره‌های تحصیلی^۱؛

ب) شایستگی‌های پایه؛

ج) اهداف خاص حوزه یادگیری؛

د) اهداف مرتبط با سایر حوزه‌ها؛

۸-۱- عناوین حوزه‌های تربیت و یادگیری :

۱- حکمت و معارف اسلامی؛

۲- قرآن و عربی؛

۱- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مکلف است حداکثر ظرف مدت شش ماه، اهداف دوره‌های تحصیلی را به تفکیک دوره‌های آموزش عمومی و متوسطه دوم و ساحت‌های تعلیم و تربیت با استفاده از مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تهیه و همراه با نتایج اعتبار بخشی آن جهت بررسی و تصویب به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه کند.

۳- زبان و ادبیات فارسی؛

۴- فرهنگ و هنر؛

۵- سلامت و تربیت بدنی؛

۶- کار و فن آوری؛

۷- علوم انسانی و مطالعات اجتماعی؛

۸- ریاضیات؛

۹- علوم تجربی؛

۱۰- زبان‌های خارجی؛

۱۱- آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده.

۲-۸- بیانیه حوزه‌های تربیت و یادگیری :

۱- حوزه تربیت و یادگیری حکمت و معارف اسلامی

دین اسلام، که از جانب خدای متعال بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده شامل اعتقادات، اخلاق، احکام و کلیه نظاماتی است که انسان‌ها برای رسیدن به مقصد متعالی خود بدان نیاز دارند. منابع اخذ معارف اسلامی، قرآن کریم، سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام و جانشینان معصوم آن بزرگوار- صلوات الله علیهم - و عقل است. تعقل به معنای قدرت تجزیه و تحلیل و ربط دادن قضایا و سنجش و ارزیابی یافته‌ها بر اساس نظام معیار (اسلام) است که از طرق معتبر به دست آمده است. حکمت به معنای علم متین، محکم و استوار دستاورد قوه تعقل است. حکمت و بصیرت زمانی به وقوع می‌پیوندد که فرد در فرآیند صحیح تفکر با هدایت و رهبری عقل سلیم و نقل صحیح قرار گیرد. ایمان مبتنی بر تفکر، اساس اعمال دینی است و هیچ عمل دینی بی حضور تفکر و تعقل معنا و مفهوم ندارد. تفکر، مطالعه و پژوهش اساس معرفت دینی را تشکیل می‌دهد.

ضرورت و کارکرد حوزه : مهم‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی به طور اعم و نظام آموزشی به طور اخص، تربیت دینی - به معنای عمیق و گسترده آن - است. دین مقدس اسلام برنامه جامع تربیتی انسان برای عبودیت و تقرب الی الله است. تعمیق معرفت و ایمان متریان به اعتقادات، اخلاق و احکام

الهی که همان معرفت و ایمان به دین اسلام است، مهم‌ترین رسالت تعلیم و تربیت در نظام اسلامی است. حوزه یادگیری حکمت و معارف اسلامی بستری برای تقویت اندیشه، ایمان و عمل دینی و برنامه‌ریزی برای دستیابی به معرفت نسبت به برنامه جامع تربیتی انسان است تا به متریان، میزانی از آگاهی درباره اسلام را بدهد تا بتوانند بر اساس آن زندگی فردی و اجتماعی خود را بر محور بندگی خدا سامان بدهند، فرد را توانمند سازد که به‌گونه‌ای فعال، جامعه را به‌سوی آرمان‌های اسلامی سوق دهد و در برابر آسیب‌های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، ایستادگی و مقاومت کند و به او این توانایی را بدهد که در آینده در تربیت فرزندان خود موفق و در تعالی جامعه مشارکت مؤثر داشته باشد. حیات انسان، یک حیات فکری است و تفکر، استعدادی الهی است که در اثر تربیت به فعلیت می‌رسد و انسان می‌تواند در پرتو تقوای الهی، با متعادل کردن قوای درونی خویش، از آن در مسیر فطرت توحیدی بهره‌برداری کند. لذا فرآیند تربیت باید به‌گونه‌ای باشد که طی آن تفکر و تعقل و حکمت پرورش یابد. تقویت این توانایی، ایمان، باور، دانش و عملکرد انسان را تحت تأثیر قرار داده و زمینه تعالی او را فراهم می‌سازد. فرآیند اصلی در عمل اختیاری و آگاهانه انسان که باید در معارف اسلامی مورد نظر باشد فرآیند شناخت فکورانه، ایمان آگاهانه و عمل ارادی است. عملی ارزشمند است که حاصل ایمان به دین باشد؛ ایمانی که مبتنی بر معرفت و شناخت و حاصل تفکر و تعقل فرد باشد.

قلمرو حوزه : حوزه یادگیری حکمت و معارف اسلامی بخشی از رسالت یاد شده را در مجموعه برنامه‌های درسی بر عهده دارد، این حوزه می‌تواند زمینه لازم برای درک، تدبیر، تأمل، تفقه و بصیرت در دانش‌آموزان را فراهم کند و در نهایت، سبب شود تا فرد رفتار حکیمانه‌ای از خود بروز دهد. محدوده این آموزش، آن است که دانش‌آموزان دین را به‌عنوان راهنمای عمل و برنامه زندگی بشناسند و براساس آن، برنامه‌ریزی و عمل نمایند. این معارف شامل سه بخش زیر است :

الف) اعتقادات : در حد شناخت عقلانی اصلی‌ترین موضوعات اعتقادی شامل توحید، معاد، عدل، نبوت و امامت، ولایت فقیه، نظام خلقت و مسائل مبتلا به مربوط به آن‌ها، بدون طرح جزئیات تخصصی هر موضوع است؛ در واقع حکمت نظری، یعنی دانش درباره واقعیت‌ها (هست‌ها)، موضوع این بخش از محتوا است.

ب) اخلاق: در حد شناخت مسائل و موضوعات اصلی اخلاقی و التزام به آن که در تکوین شخصیت انسان نقش محوری دارند و با توجه به مسئله‌ها و چالش‌های اخلاقی روز؛ یعنی حکمت عملی که درباره بهترین رفتار انسان برای رسیدن به سعادت و کمال (بایدها و نبایدها) است موضوع این بخش از محتوا می‌باشد.

ج) احکام: در حدی که هر فرد مکلف به‌طور معمول در زندگی فردی و اجتماعی خود بدان نیاز دارد و در صورت عدم اطلاع قبلی از آن‌ها در انجام وظایف شرعی دچار مشکل می‌شود. نتایج یادگیری دانش‌آموزان در حوزه حکمت و معارف اسلامی در پایان دوره‌های تحصیلی عبارت‌اند از:

- آمادگی برای دینداری و عمل به وظایف دینی مبتنی بر ایمان توأم با معرفت و شناخت؛
- احساس خرسندی و رضایت از هویت اسلامی خود و علاقه و تلاش برای حفظ آن؛
- تلاش برای رشد شعائر و فرهنگ دینی جامعه در شرایط مختلف اجتماعی؛
- احساس مسئولیت نسبت به نظام اسلامی و مشارکت در پیشرفت نظام و اقتدار و سربلندی آن در جهان؛

● بهره‌مندی از حکمت نظری و عملی.

۲- حوزه تربیت و یادگیری قرآن و عربی

دین اسلام، راه هدایت انسان‌ها به سوی کمال و رستگاری است. خداوند با هدایت خود انسان را به راه و مسیر حرکت به سوی کمال راهنمایی می‌کند. یکی از منابع اخذ معارف اسلامی، قرآن کریم است. قرآن کریم کتاب هدایت انسان‌ها است.

ضرورت و کارکرد حوزه: تعمیق معرفت و ایمان دانش‌آموزان به اعتقادات، اخلاق و احکام الهی که همان معرفت و ایمان به دین اسلام است، مهم‌ترین رسالت تعلیم و تربیت در نظام اسلامی است. قرآن کریم، به عنوان منبع وحی الهی و منبع اصلی اعتقادات، اخلاق و احکام است. توانایی خواندن همراه با درک معنا، تدبر در قرآن و انس با آن، سبب ورود هر فرد مسلمان به دریای معارف اسلامی است. یادگیری زبان عربی به عنوان زبان قرآن سبب می‌شود که فرد بتواند به‌طور مستقیم با کتاب الهی

ارتباط برقرار کند، آن را بفهمد و از رهنمودهای آن بهره ببرد. همچنین آموزش این زبان سبب می‌شود که متریان بتوانند از معارف اهل بیت علیهم‌السلام و فرهنگ غنی اسلام استفاده کنند. از سوی دیگر زبان و ادبیات فارسی با زبان عربی درآمیخته است و آشنایی با زبان عربی در یادگیری زبان فارسی تأثیر خواهد داشت.

قلمرو حوزه: حوزه یادگیری قرآن و عربی شامل دو حوزه محتوایی آموزش قرآن کریم و آموزش عربی است و حد نهایی یادگیری در این دروس به شرح زیر است:

(الف) توانایی خواندن صحیح و روان قرآن کریم؛

(ب) توانایی درک معنای عبارات ساده و پرکاربرد قرآن کریم؛

(ج) توانایی نسبی تدبر در آیات قرآن کریم به منظور درک ساده و اولیه دقایق و ظرائف مفاهیم آیات، بدون آموزش تخصصی علوم قرآنی؛

(د) انس مستمر و دائمی با قرآن کریم، به نحوی که دانش‌آموزان، اهل خواندن و تفکر در قرآن باشند و این امر را لازمه تربیت دینی و اعتلای هویت الهی خویش بدانند.

آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد.

این دو حوزه محتوایی، ارتباط وثیقی با یکدیگر دارند و برنامه‌ریزی آن‌ها باید هماهنگ و مرتبط با هم صورت گیرد و از اهداف، محتوا و روش‌های مشترک و نیز مطالب مکمل و تأیید کننده همدیگر استفاده مطلوب به عمل آید.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه‌های تربیت و یادگیری «حکمت و معارف اسلامی» و «قرآن و عربی»^۱

سازماندهی محتوای حوزه‌های حکمت و معارف اسلامی و قرآن و عربی در دوره ابتدایی به صورت

۱- به دلیل ارتباط وسیع و وثیق محتوای دو حوزه «حکمت و معارف اسلامی» و «قرآن و عربی» سازماندهی محتوای هر دو حوزه در یک بخش آمده است.

تلفیقی است. در دوره متوسطه اول حتی الامکان به صورت مجزا لیکن هماهنگ و در دوره متوسطه دوم، بجز در رشته علوم و معارف اسلامی، به صورت تلفیقی و درس عربی به صورت مجزا ارائه می شود. در رشته علوم و معارف اسلامی نیز درس های اختصاصی در حوزه معارف اسلامی ارایه می شود.

۳- حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی

این حوزه شامل دو بخش زبان و ادبیات است. زبان، فرآیندی است که از درک و دریافت سخن آغاز می شود و به تولید کلام معنادار می انجامد. ادبیات، تولیدی مرکب و چند سطحی است که واج، واژه، معنا و نحو، سطح و جنبه هنری را نیز شامل می شود. کارکرد هنری زبان در قالب ادبیات ظاهر می شود.

ضرورت و کارکرد حوزه : زبان و ادبیات فارسی، رمز هویت ملی و سبب پیوستگی و وحدت همه اقوام ایرانی و گنجینه گران ارجی است که گذشته را به حال و آینده پیوند می دهد. در این حوزه، دانش آموزان با پیکره نظام مند و عناصر سازه ای زبان به گونه ای روشمند و علمی آشنا می شوند و توانایی خلق و نگارش و آفرینش در این حوزه را کسب می کنند.

بنیاد ارتباط انسان با دیگران بر زبان است. آموزش زبان بستر مناسبی را برای پرورش مهارت ها و ارزش های اخلاقی دانش آموزان در قالب های متنوع زبان و ادبیات به صورت شفاهی، دیداری و نوشتاری و برای مقاصد و مخاطبان گوناگون فراهم می کند که شامل یادگیری زبان، یادگیری از طریق زبان و یادگیری درباره زبان می باشد. بیشترین فعالیت روزمره ما هنگام گفت و گو با دیگران و استفاده از رسانه ها توسط زبان شکل می گیرد. زبان دو کارکرد اصلی دارد :

۱- ابزاری برای ارتباط در مراودات اجتماعی،

۲- ابزاری برای ایجاد زیبایی هنری که همان ادبیات است. از زبان برای هدف های گوناگون استفاده می شود، از جمله برای برآوردن نیازهای روزمره، تأثیرگذاری بر افکار و رفتار دیگران، ایجاد تفاهم در روابط اجتماعی، انجام تحقیق و کسب اطلاعات، آشنایی با پیشینه فرهنگی، حفظ آداب و رسوم قومی - محلی، احساس تعلق و ایجاد هویت ملی، قدرت بیان عقاید شخصی، دریافت ایده ها و افکار، بیان تخیلات و بدیعه گویی، و دادن اطلاعات در زمینه های گوناگون.

زبان بستری برای تفکر است. پرورش مهارت‌های زبانی زمینه درک مفاهیم در سایر متون و موضوعات درسی را فراهم کرده، به رشد مهارت‌های اجتماعی، شخصی، ذهنی، ارتباطی، فرهنگی، مطالعه و پژوهش و ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کند.

قلمرو حوزه: آموزش زبان و ادبیات فارسی بر چهار مهارت زبانی گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن از طریق رمزگشایی و رمزگذاری نمادهای آوایی (شنیداری) و خطی (دیداری) و مهارت‌های فرازبانی (تفکر، نقد و تحلیل) و چگونگی کاربست آن‌ها و نیز ادبیات فارسی تأکید دارد. در این حوزه، دانش‌آموزان به فهم زبان، باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، ساختار زبانی، جایگاه و گسترار زبان فارسی و پیکره نظام‌مند و عناصر سازهای و عوامل هنری و زیبایی در منابع اصیل و ادبیات کهن و معاصر دست می‌یابند.

آموزش زبان و ادبیات فارسی، با رویکرد ارتباطی انجام می‌گیرد و بر انتقال ارزش‌های فرهنگ اسلامی-ایرانی تأکید دارد. زبان در بستر تجربیات ارتباطی طبیعی، بیشتر و بهتر آموخته می‌شود. لذا قانونمندی‌های زبانی شامل تلفظ کلمات، ساخت کلمات و ساخت دستوری، از طریق کسب تجربیات واقعی و وابسته به موقعیت‌های فرهنگی دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. این امر خصوصاً در سال‌های اولیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مجموعه تجربیات ارائه شده در قالب‌های گوناگون زبان و ادبیات فارسی، دانش‌آموزان را افرادی پایبند به ارزش‌های ملی و دینی و متخلق به آداب و اخلاق متعلق به این سرزمین می‌پرورد، و آنان را در حفظ فرهنگ و تمدن خویش توانمند می‌کند.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: در سازماندهی محتوا در دوره ابتدایی عمدتاً کارکرد ارتباطی زبان مورد توجه قرار می‌گیرد و کارکرد هنری زبان صرفاً با هدف لذت بردن از زبان دنبال می‌شود. در دوره‌های تحصیلی بالاتر توجه به کارکرد هنری زبان با هدف انتقال ارزش‌های فرهنگی و رشد و تقویت توانمندی‌های هنری متربیان و کسب هویت ملی صورت می‌گیرد.

۴- حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر

فرهنگ، مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع دستیابی به هویت است و از طریق جهت دادن به شیوه زندگی، امکان هویت‌یابی را به صورت فردی و جمعی فراهم می‌کند. فرهنگ شامل: باورها و ارزش‌ها، تاریخ

گذشته، مفاخر ملی، آداب و سنت‌ها، قوانین، آثار باستانی، هنر و ادبیات گذشته و معاصر است. حوزه یادگیری فرهنگ و هنر ناظر به درک معنا و روابط میان پدیده‌ها (آیه بینی و آیه خوانی)، زیبایی‌شناسی و قدرشناسی نسبت به نشانه‌های جمال الهی و زیبایی‌ها در پیشینه فرهنگی جامعه (نمادها، آداب و رسوم، ارزش‌ها، اسوه‌ها و اسطوره‌ها) و حفظ و تعالی آن است.

ضرورت و کارکرد حوزه : با عنایت به اهمیت فرهنگ و هویت ملی و نقشی که این دو مقوله در استقلال، خودکفایی، عزت نفس و مقابله با از خودبیگانگی ایفا می‌کنند، فرهنگ و هنر از کارآمدترین امکانات در امر تربیت محسوب می‌شوند و موضوعاتی هستند که از فرهنگ اسلامی، ایرانی و انقلابی ما نشئت گرفته و در احراز هویت ملی اثرگذار می‌باشند. هنر به عنوان تجلی باورهای جامعه از وجوه تمایز انسان با سایر موجودات است و می‌تواند به عنوان یکی از بارزهای هویت و به ویژه هویت فرهنگی و معنوی، موجب رشد و ارتقاء تمدن و فرهنگ جوامع مورد توجه قرار گیرد.

تربیت فرهنگی و هنری سبب شناخت پیشینه فرهنگی و توانایی‌های فردی و توسعه ظرفیت‌های وجودی و کسب بخشی از شایستگی‌های مورد نیاز برای زندگی می‌شود. دستیابی به کمال در اخلاقیات و ارزیابی فرهنگ بشری بر اساس نظام معیار، درگرو دستیابی دانش‌آموزان به ابزار و رسانه‌هایی با توان بازنمایی دامنه و عمق ارزش‌هاست. استفاده از هنر و قالب‌های هنری مناسب‌ترین طریق بازنمایی تجربیات غنی از احساس و عواطف انسانی است. شناختی که در اثر آشنایی با هنرها و میراث فرهنگی ایجاد می‌شود، زمینه‌ساز حفظ، احیا و اشاعه هنرهای ایرانی اسلامی، هویت بخشی به فرد و جامعه و مقابله با تهاجم فرهنگی است. مهم‌ترین کارکرد این حوزه را می‌توان دستیابی به سواد فرهنگی و هویت بخشی، ایجاد شوق و نشاط، درک و بیان احساسات و معانی و ابراز وجود به زبان هنر، پرورش حواس، ذوق زیباشناسی، قدرت تخیل، خلاقیت، قدرشناسی از زیبایی‌ها و میراث فرهنگی و در نهایت دستیابی به بصیرت فرهنگی عنوان کرد.

قلمرو حوزه : قلمرو حوزه فرهنگ و هنر شامل درک ایده‌های هنری، فرآیندها و مهارت‌های هنری، ابراز هنری و میراث فرهنگی در دو عرصه عملی (تولید اثر بر پایه الفبا و قواعد ترکیب) و نظری (درک اثر بر پایه زیباشناسی، تاریخ فرهنگ و هنر، تجزیه و تحلیل و نقد آثار فرهنگی و هنری) است.

رمزگشایی و رمزگذاری پدیده‌ها در قالب‌های هنری شامل دو فرایند کشف معنا (درک و دریافت اثر) و خلق معنا (تولید اثر) است. دستیابی به سواد فرهنگی و میان فرهنگی برای درک ارتباط فرهنگ‌ها، اقوام و ملیت‌ها در سطح ملی و جهانی و ارتباط خرده فرهنگ‌ها با فرهنگ معیار، تمایز فرهنگ مدرن و سنتی، بخشی از قلمرو محتوایی این حوزه یادگیری است.

جهت‌گیری کلی این حوزه در سازماندهی محتوا و آموزش، «تربیت هنری» با تأکید بر دستیابی به بصیرت فرهنگی است. تربیت هنری زمینه درک زیبایی‌ها و نظم هستی که یکی از راه‌های شناخت خداوند و قدرشناسی نسبت به زیبایی‌ها و خالق آن‌هاست را فراهم می‌کند. سازماندهی فعالیت‌ها در قالب رویکرد تربیت هنری موجب درک زیبایی‌های طبیعت، محیط زندگی و آثار فرهنگی هنری، تقویت حواس، تخیل، تفکر، توان درک معانی آشکار و پنهان و غنا بخشیدن به ادراک حسی و عاطفی می‌شود.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: سازماندهی محتوا در این حوزه تا پایان دوره آموزش عمومی مبتنی بر تربیت هنری و در دوره متوسطه دوم موضوع محور است. همچنین سازماندهی محتوا به صورت چند رشته‌ای و متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی متربیان انجام می‌شود. تربیت فرهنگی و هنری در سال‌های آغازین تحصیل به صورت آموزش غیرمستقیم انجام می‌گیرد و به تدریج متناسب با دوره تحصیلی و رشته‌های هنری از روش‌های آموزش مستقیم بهره‌گیری می‌کند. در فرایند فعالیت‌های یادگیری و تولید اثر هنری، با ایجاد شرایط تصمیم‌گیری و حل مسئله، مهارت رویارویی با مسائل و مشکلات، درک صحیح رویدادها و پدیده‌ها با تکیه بر عواطف، امکان ابراز احساسات، افکار، ایده‌ها، دریافت‌های شخصی، پرورش قوه خيال (تخیل)، خلاقیت و وجه فردی دانش‌آموز، از طریق به کارگیری حواس مختلف در قالب‌های متنوع هنری فراهم می‌شود. بصیرت فرهنگی و تربیت هنری رویکردی فرا برنامه درسی بوده و روح حاکم بر کل نظام آموزشی است و استفاده از ظرفیت همه حوزه‌های تربیت و یادگیری، خصوصاً علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و زبان و ادبیات فارسی را طلب می‌نماید.

۵- حوزه تربیت و یادگیری سلامت و تربیت بدنی

حوزه سلامت و تربیت بدنی به دنبال برقراری سلامت کامل جسمی و روانی دانش‌آموزان به عنوان امانت الهی و بکارگیری روش‌های درست انجام فعالیت جسمانی، ارتقای توانایی‌های بدنی و حرکتی، تبیین روش‌های تفریحی سالم و ترویج بهداشت و اصول سالم زیستن و پیشگیری از ایجاد بیماری و اختلال و معلولیت‌های اندامی و توانمندسازی افراد در تسلط بر رفتار خود و حفظ سلامت است.

ضرورت و کارکرد حوزه : در آموزه‌های اسلامی، بدن انسان هدیه و امانتی الهی برای تکامل روح محسوب می‌شود. حفظ بدن از خطرها، آسیب‌ها، تقویت جسمانی و برقراری سلامت، تکلیف دینی و الهی می‌باشد و در کلام معصومین علیهم‌السلام نیز بر این حقیقت تأکید شده است. سلامت و تربیت بدنی به عنوان عاملی اساسی و مؤثر در توسعه فردی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی است و ابزاری ضروری برای رشد و پرورش انسان‌هایی سالم و توانمند جهت دستیابی به ابعادی از حیات طیبه است.

کسب صلاحیت‌های اساسی این حوزه، دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا ظرفیت‌های جسمی، روحی و روانی خود را بشناسند، به آن اعتماد کنند و در جهت پرورش آن کوشا باشند. این آموزه‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کند که در قبال بهداشت و سلامتی خود مسئولیت بپذیرند و به نقش خود در تضمین سلامت جسمی و روانی و نشاط فردی و اجتماعی، به خصوص سلامت خانواده اعتقاد داشته باشند.

دانش‌آموزان در خلال ورزش و فعالیت‌های بدنی یاد می‌گیرند چگونه در قالب گروهی کار کنند، اعتماد به نفس خود را افزایش دهند، برای اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی کنند، خطر کنند، در مسائل درگیر شوند و به کمک دیگران مسائل را حل کنند. سلامت و بهداشت موجب رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی، معنوی و پیشگیری از ایجاد بیماری و ضایعات و معلولیت‌های جسمی، حسی، حرکتی، و موجب توانمندسازی فرد در تسلط بر رفتار و حفظ سلامت خود و پیشگیری از کردارهای پرخطر و بهبود زندگی دانش‌آموزان می‌شود.

قلمرو حوزه : بهداشت و سلامت، ورزش و تربیت بدنی و تفریحات سالم به عنوان موضوعات همبسته یک حوزه شناخته شده‌اند و اهداف مشترک بسیاری دارند. توجه به سطح کیفی زندگی و رشد و تکامل فرد، اصول صحیح تغذیه، رعایت آداب بهداشتی و کسب مهارت‌های ایمنی از مهم‌ترین اهداف این حوزه می‌باشد. این حوزه تربیت و یادگیری دارای دو زیر حوزه اصلی «سلامت و بهداشت» و «تربیت بدنی، ورزش و تفریحات سالم» می‌باشد که شامل موارد زیر است :

- مهارت‌های حرکتی و آمادگی جسمانی؛
- بازی‌ها و رشته‌های ورزشی؛
- تفریحات سالم؛
- اصول تغذیه سالم و متوازن؛
- ایمنی و پیشگیری از آسیب‌های فردی و جمعی در ابعاد و شرایط مختلف؛
- مهارت‌های زیستی و بهداشت فردی و عمومی؛
- نظام مراقبت از سلامت جسمانی و روانی با تأکید بر سلامت فرد، خانواده و اجتماع؛
- بهداشت بلوغ و سلامت نوجوانی.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه : در سازماندهی محتوای این حوزه در کلیه دوره‌های تحصیلی باید ابعاد جسمانی، عقلانی، اجتماعی، روانی و معنوی به صورت تلفیقی مورد توجه قرار گیرد. در دوره متوسطه دوم، سازماندهی محتوا در شاخه فنی و حرفه‌ای موضوع محور و براساس رشته‌های ورزشی خواهد بود.

۶- حوزه تربیت و یادگیری کار و فن‌آوری

حوزه کار و فن‌آوری شامل کسب مهارت‌های عملی برای زندگی کارآمد و بهره‌ور و کسب شایستگی‌های مرتبط با فناوری و علوم وابسته، به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات، جهت تربیت فناورانه و زندگی سالم در فضای مجازی و نیز آمادگی ورود به حرفه و شغل در بخش‌های مختلف اقتصادی و زندگی اجتماعی است.

ضرورت و کارکرد حوزه: با توجه به آموزه‌های اسلامی، کار و اشتغال از ارزش تربیتی برخوردار است و انسان از طریق کار، نفس سرکش را رام کرده و شخصیت وجودی خویش را صیقل داده، هویت خویش را تثبیت کرده و زمینه ارتقاء وجودی خویش را مهیا و امکان کسب روزی حلال و پاسخگویی به نیازهای جامعه را فراهم می‌آورد. آموزش فناوری، کار و مهارت آموزی، باعث پیشرفت فردی، افزایش بهره‌وری، مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی، کاهش فقر، افزایش درآمد و توسعه یافتگی خواهد شد.

قلمرو حوزه: قلمرو این حوزه شامل چهار دسته شایستگی است:

۱- شایستگی‌های محوری غیر فنی دنیای کار؛

۲- شایستگی‌های پایه فنی مورد نیاز نیروی کار حرف و مشاغل گوناگون؛

۳- شایستگی‌های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات؛

۴- شایستگی‌های مربوط به یادگیری مادام‌العمر فنی و حرفه‌ای.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: شایستگی‌های این حوزه در دوره آموزش عمومی به صورت عینی، تجربی و عمدتاً در هم تنیده با دیگر حوزه‌های تربیت و یادگیری و از طریق تجربه در محیط‌های یادگیری واقعی و متنوع کسب خواهد شد و زمینه هدایت دانش‌آموزان را با توجه به علائق و توانایی‌هایشان در مسیرهای تحصیلی، حرفه‌ای و شغلی فراهم می‌کند.

در تدوین فعالیت‌های یادگیری این حوزه در کلیه دوره‌های تحصیلی، دیدگاه فناورانه حاکم خواهد بود. در پایه‌های اول تا سوم دوره ابتدایی مهارت‌های مربوط به کار به صورت تلفیقی با سایر حوزه‌های یادگیری ارائه می‌شود. در پایه‌های چهارم تا ششم دوره ابتدایی و دوره متوسطه اول مهارت‌های مربوط به کار در قالب پروژه و بر اساس نیازها، استعدادها، علائق و موقعیت‌های محلی تعریف و به صورت عملی اجرا خواهد شد. فناوری اطلاعات و ارتباطات علاوه بر تلفیق با سایر حوزه‌های یادگیری می‌تواند به صورت مستقل ارائه شود.

سازماندهی محتوا در دوره متوسطه دوم به صورت زیر خواهد بود:

گروه اول: در این گروه دانش‌آموزان قادر خواهند بود پس از پایان دوره متوسطه جذب دنیای

کار شوند. حرفه‌های انتخابی با توجه به زمان آموزش و دیگر عوامل در سطوح یک یا دو مهارتی^۱ تعریف می‌شوند. مراکز یادگیری در اجرای این آموزش‌ها می‌توانند خارج از مدرسه و با مشارکت بخش دولتی و غیردولتی تشکیل شوند. نیازهای منطقه‌ای باید در طراحی و تدوین این گروه از برنامه درسی لحاظ شوند.

گروه دوم: در این گروه دانش‌آموزان قادر خواهند بود پس از پایان دوره کاردانی جذب دنیای کار شوند. حرفه‌های انتخابی با توجه به زمان آموزش و دیگر عوامل، در سطوح دو یا سه مهارتی تعریف می‌شوند. در این گروه بین شایستگی‌های گروه‌های اصلی حرفه و شایستگی‌های حرفه‌های انتخاب شده، تعادل برقرار است. مراکز یادگیری در این نوع آموزش‌ها متنوع است. برنامه ریزی درسی این گروه و اجرای آن با مشارکت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام می‌شود.

۳- گروه سوم: در این گروه، برنامه درسی دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری باید به گونه‌ای طراحی شود که هردانش‌آموز در پایان دوره متوسطه دوم، در یکی از فعالیت‌های فنی و حرفه‌ای ساده متناسب با نیازها و علایق خود مهارت کافی عملی را کسب کرده باشد و این امر در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به عنوان یک معیار لحاظ گردد. گروه بزرگ حرفه‌های انتخابی با توجه به زمان آموزش و دیگر عوامل در سطوح سه یا چهار مهارتی قرار دارند.

۷- حوزه تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

حوزه تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی به مطالعه کنش‌ها و تعاملات انسانی و توانایی ایجاد رابطه مثبت و سازنده با خلق حول محور رابطه با خدا؛ درک موقعیت و فراموقعیت و عناصر آن در ابعاد مختلف (زمان، مکان، عوامل طبیعی و اجتماعی) و سنت‌های الهی حاکم بر فرد و جامعه می‌پردازد؛ و در پی تقویت و پرورش کنش‌های مطلوب، متناسب با نظام معیار اسلامی است. **ضرورت و کارکرد حوزه:** زندگی توحیدی نیازمند درک سنت‌های الهی، مطالعه محیط طبیعی و انسانی (سیر در آفاق و انفس)، احساس همدلی، نوع دوستی و احترام نسبت به دیگران و کنترل هیجانات و احساسات به هنگام قرارگرفتن در موقعیت‌های واقعی و چالش برانگیز (خانوادگی،

۱- سطوح مهارتی در این حوزه بر اساس استانداردهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است.

اجتماعی، بین‌المللی) است. حصول تربیت متعالی در گرو رابطه و تعامل متقابل فرد و جامعه است. آموزش‌های این حوزه برخاسته از فرهنگ و تاریخ جامعه، در خدمت هویت تاریخی و فرهنگی آن می‌باشد و بسترهای لازم برای تحقق عدالت و پیشرفت را فراهم می‌آورد.

دانش‌آموزان نیاز دارند در آموزش‌های مدرسه‌ای فرصت‌هایی برای به چالش کشیدن ایده‌های خود و دیگران در خصوص مسایل اجتماعی در سطح محلی، ملی و جهانی در اختیار داشته باشند تا از این طریق روحیه حقیقت‌جویی، عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، تکلیف‌مداری، دعوت‌گری، مذاکره، انصاف، و نوع دوستی و پذیرفتن مسئولیت الهی خود در قبال نوع بشر، خصوصاً محرومان و مستضعفان را پرورش دهند. آنان باید بتوانند ویژگی‌های تمدن و فرهنگ ایرانی - اسلامی و تأثیر آن در توسعه جامعه بشری را درک کرده و نقش خود را در جهان امروز برای حفظ و ارتقا موقعیت و جایگاه ایران در بین کشورهای منطقه و در سطح جهان بشناسند. آموزش تعامل مسئولانه با جامعه و مسائل آن و نیز ارتقای شایستگی‌ها برای اصلاح دین‌مدارانه مسائل زندگی فردی و جمعی از کارکردهای مهم این حوزه است

قلمرو حوزه: قلمرو این حوزه شامل: درک موقعیت و ابعاد آن در بعد زمان (گذشته، حال، آینده)، مکان (خانه، محله، شهر، کشور، زمین، کیهان)، عوامل طبیعی (محیط طبیعی، محیط زیست)، عوامل اجتماعی (ساختارها و نهادهای اجتماعی، هنجارها، رفتارها و روابط انسانی، قراردادهای) و تعامل آن‌ها؛ آمایش سرزمین؛ درک چگونگی حاکمیت سنت‌های الهی بر زندگی انسان در طول تاریخ و کسب مهارت‌های اجتماعی (مهارت در فعالیت‌های گروهی، توسعه روابط انسانی - بردباری، وفاق و همدلی و مسالمت‌جویی، نوع دوستی و... - رعایت حقوق و انجام تکالیف) و اقتصادی (مهارت‌های اقتصادی، صرفه اقتصادی، داد و ستد، تولید، توزیع، مصرف و قناعت) به عنوان یک عضو مسئول جامعه ایران اسلامی می‌باشد.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: شایستگی‌های مورد انتظار تا پایان دوره آموزش عمومی در قالب تجربیات یادگیری تلفیقی ارائه می‌شود و فرصت درک مفهوم موقعیت در ابعاد مختلف آن را فراهم می‌کند. همچنین دانش‌آموزان توانایی لازم برای مشارکت آزادانه و آگاهانه در فعالیت‌های اجتماعی را کسب می‌کنند. این شیوه سازماندهی محتوا، فرصت‌هایی را برای

کسب تجربیات دست اول در سطح کلاس درس، مدرسه و جامعه محلی در اختیار مدارس و مربیان قرار می‌دهد. دانش‌آموزان ضمن روپرو شدن با موقعیت‌های واقعی و چالش برانگیز توانایی لازم برای حل مسایل واقعی زندگی فردی و اجتماعی و دست‌یابی به مرتبه‌ای از عقلانیت اجتماعی را کسب می‌کنند. آموزش در دوره متوسطه دوم به موقعیت‌های واقعی زندگی نزدیک‌تر بوده و فرصت‌های بیشتری را برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. در این دوره ضمن تأکید بر پرورش مهارت‌های کار گروهی و شرکت در ارائه خدمات اجتماعی بر حسب ورود دانش‌آموزان به شاخه نظری و گرایش/ رشته علوم انسانی، محتوا جنبه نیمه تخصصی پیدا می‌کند. فرایند یاددهی یادگیری مبتنی بر پرسشگری نقادانه و استدلالی و استفاده از روش‌های کاوشگری به شیوه مشارکتی، پژوهش مشارکتی، پروژه، مطالعه موردی، مطالعه کتابخانه‌ای اسنادی، موقعیت‌های واقعی (برنامه‌ریزی، تأمین منابع برای ارائه خدمات اجتماعی به گروه‌های نیازمند) و مشارکت در فعالیت‌های جمعی در سطح جامعه (اردوهای عمرانی، خدماتی، پژوهشی) از روش‌های مورد تأکید این حوزه یادگیری است.

۸- حوزه تربیت و یادگیری ریاضیات

ریاضیات ریشه در قوه تعقل انسانی و نقشی مؤثر در درک قانونمندی طبیعت دارد. ریاضیات به عنوان علم مطالعه الگوها و ارتباطات، هنری دارای نظم و برخوردار از سازگاری درونی، زبانی دقیق برای تعریف دقیق اصطلاحات و نمادها و ابزارکار در بسیاری از علوم و حرفه‌ها تعریف شده است. **ضرورت و کارکرد حوزه:** ریاضیات و کاربردهای آن بخشی از زندگی روزانه و در جهت حل مشکلات زندگی در حوزه‌های مختلف به‌شمار می‌آید که دارای کاربردهای وسیع در فعالیت‌های متفاوت انسانی است. ریاضیات، موجب تربیت افرادی خواهد شد که در برخورد با مسائل بتوانند به طور منطقی استدلال کنند، قدرت تجزیه و انتزاع داشته باشند و درباره پدیده‌های پیرامونی تئوری‌های جامع بسازند. وجه مهم ریاضی توانمندسازی انسان برای توصیف دقیق موقعیت‌های پیچیده، پیش‌بینی و کنترل وضعیت‌های ممکن مادی - طبیعی، اقتصادی، اجتماعی است. بنابراین، توانایی به کارگیری ریاضی در حل مسائل روزمره و انتزاعی، از اهداف اساسی آموزش ریاضی می‌باشد.

قلمرو حوزه: قلمرو حوزه آموزش ریاضیات از یک سو، درک مفاهیم ریاضی شامل: اعداد و محاسبات عددی؛ جبر و نمایش نمادین (الگوها، رابطه‌ها و تابع‌ها)؛ هندسه و اندازه‌گیری؛ داده‌ها، آمار و احتمال است. از سوی دیگر، در این حوزه دانش‌آموزان باید با فرآیندهای ریاضی نظیر حل مسئله و به کارگیری استراتژی‌های حل مسئله، مدل‌سازی (مسائل واقعی و پدیده‌ها)، استدلال، تفکر نقاد و استدلال منطقی (تعمیم دادن، پیش‌بینی، فرضیه‌سازی، حدسیه سازی و آزمودن حدسیه‌ها، توضیح دادن و تبیین جواب‌ها/ تأیید و تصدیق کردن جواب‌ها، دسته بندی کردن، مقایسه کردن، به کارگیری الگوها)؛ تفکر تجسمی یا دیداری و تفکر خلاق (استدلال فضایی، حل کردن مسئله‌های غیرمعمول، الگوهای تجسمی، تولید مسئله در قالب داستانی و بافت واقعی و تخیلی)، اتصال و پیوندهای موضوعی و مفهومی ریاضی، گفتمان ریاضی (فرهنگی و ارتباطی – خواندن و نوشتن ریاضی)، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، تخمین زدن، و دقت یافتن آشنا شده و در آن‌ها مهارت یابند. فناوری در ریاضیات و کاربردهای آن (حسابگرها و رایانه‌ها، نرم‌افزارهای رایانه‌ای) از نکات مورد تأکید در استفاده از فناوری‌های نوین در ریاضیات است.

فرهنگ و تمدن ایران و اسلام از طریق شرح خدمات دانشمندان و ریاضیدانان ایرانی و نقش آنان در تاریخ ریاضی بخشی از محتوای این حوزه را تشکیل می‌دهد.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: ریاضیات از نظر ماهیت، علمی مجرد است، ولی بستر رشد و توسعه آن، مشاهده و توصیف و تجزیه و تحلیل محیط پیرامونی است. در ریاضیات مدرسه‌ای، فعالیت‌های آموزشی باید برخاسته از ریاضیات محیط پیرامون باشد و به دانش‌آموزان کمک کند تا مفاهیم و گزاره‌های ریاضی را در محیط پیرامونی خود مشاهده، تجزیه و تحلیل و درک کنند و برای مفاهیم ریاضی در محیط پیرامونی تعبیرهای گوناگون به دست آورند. این امر، امکان درک شهودی آنان – که راهنمای عمل ریاضیدانان است – را تقویت می‌کند. بحث شهود، در ریاضیات مدرسه‌ای بسیار اساسی است.

یادگیری عمیق مفاهیم ریاضی وقتی رخ می‌دهد که دانش‌آموزان خودشان در طی حل یک مسئله قابل توجه به آن مفاهیم رسیده باشند و خودشان آن مفاهیم را ساخته باشند. این عمل مشابه یک

پژوهش در ریاضی است. بنابراین، در فرایند یاددهی - یادگیری ریاضی، دانش آموزان یاد می گیرند که چگونه مفاهیم جدید رخ می دهد، چگونه باید آن ها را نامگذاری کرد و چگونه می توان با آن ها کار کرد و آن ها را تعمیم داد.

تا پایان دوره آموزش عمومی موضوعات محتوایی این حوزه براساس تلفیقی از شبکه های مفهومی و مهارتی، سازمان دهی می شود و در دوره متوسطه دوم برحسب رشته های تحصیلی در قالب موضوع های محوری با جهت گیری نظری یا کاربردی ارائه خواهد شد.

۹- حوزه تربیت و یادگیری علوم تجربی

علم تجربی حاصل تلاش انسان برای درک دنیای اطراف، و دانشی آزمودنی است که با ظهور شواهد و دلایل جدید در معرض تغییر قرار گرفته و از گستره وسیعی از روش های تحقیق بهره می برد. علوم تجربی هم در مرحله تکوین و شکل گیری چارچوب های مفهومی و هم در عرصه چگونگی کاربرد و عمل و تصرف در طبیعت در بستر گستره دیگر حوزه های معرفتی بشر شکل می گیرد و نشو و نما می کند. از این رو، تعاملی انکارناپذیر با فلسفه، باورها و ارزش های پذیرفته شده فرد و جامعه دارد. با توجه به جهت گیری های این برنامه، علم تجربی حاصل کوشش انسان برای درک واقعیت های هستی و کشف فعل خداوند است.

ضرورت و کارکرد حوزه: پرورش علمی دانش آموزان و برخوردار شدن ایشان از سواد علمی فناوریانه در بُعد شخصی و فردی از لازمه های زندگی سالم و موفقیت آمیز، و در بُعد اجتماعی لازمه بقای عزت مدار و توسعه پایدار ایران اسلامی است، از این رو، رشد و ارتقاء توانمندی ها و شایستگی های دانش آموزان در عرصه علوم تجربی به شناخت و استفاده مسئولانه از طبیعت به مثابه بخشی از خلقت الهی با هدف تکریم، آبادانی و آموختن از آن برای ایفای نقش سازنده در ارتقاء سطح زندگی فردی، خانوادگی، ملی و جهانی می انجامد.

آموزش علوم تجربی از یک سو، در ایجاد بصیرت و بینش عمیق نسبت به درک دنیای اطراف و زمینه سازی برای تعظیم خالق متعال از طریق فهم عظمت خلقت ضرورت دارد، و از سوی دیگر با عنایت به وابستگی روزافزون ابعاد گوناگون زندگی انسان به یافته ها و فراورده های علمی فناوریانه

ضروری می‌نماید. از این رو، اگرچه پرورش سواد علمی فناوریانه محور مشترک تمامی برنامه‌های آموزش علوم به شمار می‌آید، ولی براساس مبانی تربیت اسلامی، علاوه بر این محور، تعمیق و تعالی نگرش توحیدی و دست‌یابی به درک غایتمند از خلقت و به عبارتی باز کشف و کشف رمز و راز لایه‌های مادی هستی، از محورهای مهم تربیت علمی است.

قلمرو حوزه: حوزه یادگیری علوم تجربی شامل مطالعه فرایندهای حیاتی و موجودات، زمین و پیرامون آن، تغییرات ماده و انرژی، طبیعت و مواد فراوری شده، علوم در اجتماع، علوم در زندگی روزانه و تاریخ علم در ایران و اسلام است. تربیت علمی فناوریانه تنها آموزش یافته‌ها و فرآورده‌های علمی یا به عبارت دیگر تنها مفاهیم و دانش علمی را دربر نمی‌گیرد؛ بلکه فرایندهای علمی و روش علم‌آموزی هم چون مهارت‌های فرایندی (مشاهده، جمع‌آوری اطلاعات، اندازه‌گیری، تفسیر یافته‌ها، فرضیه و مدل‌سازی، پیش‌بینی، طراحی تحقیق و برقراری ارتباط) و مهارت‌های پیچیده تفکر را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. هم‌چنین نگرش‌های ناشی از علم، بخصوص به محیط زیست، و نگرش‌های ناظر به علم و فناوری از اجزای جدایی‌ناپذیر فعالیت‌های علمی فناوریانه است و دریچه‌ای برای ورود مبانی فلسفی پذیرفته شده را فراهم می‌کند.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: با عنایت به پذیرش اصل همه جانبه‌نگری و براساس رویکرد تلفیق در همه حوزه‌های یادگیری، پرورش علمی با اتخاذ روش‌هایی که با تلفیق نظر و عمل سازگاری دارند به پرورش مهارت‌های فرایندی علمی می‌پردازد و به انتقال فرآورده‌های دانش اکتفا نمی‌کند. بر این اساس یادگیرنده در محور تمامی فعالیت‌های یادگیری قرار می‌گیرد و آموختن روش و مسیر کسب علم، آگاهی و توانایی، یکی از اهداف اصلی آموزش تلقی می‌شود. این امر در مسیری رشدیابنده و تعالی‌جو، زمینه‌ساز پرورش انواع تفکر می‌شود و خودیادگیری، ژرف‌اندیشی و تعالی‌جویی در دانش‌آموزان را میسر می‌سازد.

ایجاد ارتباط بین آموزه‌های علمی و زندگی واقعی و مرتبط ساختن محتوای یادگیری با کاربردهای احتمالی آن به معنادار شدن یادگیری و کسب علم مفید، سودمند و هدف‌دار برای دانش‌آموزان، منجر می‌شود. این امر به پرورش انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر، متفکر و خلاق مدد می‌رساند.

سازماندهی محتوای این حوزه تا پایان دوره آموزش عمومی به صورت تلفیقی است و در دوره متوسطه دوم بر حسب رشته‌های تحصیلی در قالب موضوع‌های محوری با جهت‌گیری نظری یا کاربردی ارائه خواهد شد.

۱۰- حوزه تربیت و یادگیری زبان‌های خارجی

آموزش زبان‌های خارجی بستر مناسبی را برای درک، دریافت، تعاملات فرهنگی و انتقال دستاوردهای دانش بشری در قالب‌های متنوع زبانی به صورت شفاهی، دیداری، و نوشتاری، برای مقاصد و مخاطبان گوناگون در چارچوب نظام معیار اسلامی فراهم می‌کند.

ضرورت و کارکرد حوزه: از آن جا که مراودات اجتماعی تحت تأثیر تعاملات جوامع بشری و رشد فناوری توسعه پیدا کرده و این دامنه هر روز افزایش پیدا می‌کند، برای برقراری ارتباط سازنده و آگاهانه ضروری است دانش‌آموزان علاوه بر زبان مادری که به آنان امکان تعامل در سطح روابط میان فردی (خانوادگی، محلی و ملی) را می‌دهد، توانایی برقراری ارتباط با سایر جوامع و دستاوردهای بشری را در سطح منطقه‌ای و جهانی دارا باشند.

آموزش زبان خارجی علاوه بر کارکرد ارتباط میان فردی و بین فرهنگی، در توسعه اقتصادی مانند صنعت گردشگری، تجارت، فن‌آوری، توسعه علم، و هوشیاری اجتماعی سیاسی مؤثر است.

قلمرو حوزه: آموزش زبان بر توانایی ارتباطی و حل مسئله تأکید دارد به گونه‌ای که فرد پس از آموزش قادر به ایجاد ارتباط با استفاده از تمامی مهارت‌های چهارگانه زبانی (گوش کردن، سخن گفتن، خواندن، و نوشتن) برای دریافت و انتقال معنا گردد. برنامه درسی آموزش زبان باید دانش‌آموزان را با پیکره زبانی، واژگان و ساخت‌های مورد نیاز برای برقراری ارتباط مؤثر و سازنده در سطح جهانی آشنا سازد.

آموزش زبان‌های خارجی از ابتدای دوره متوسطه اول آغاز می‌شود و هدف آن آموزش چهار مهارت زبانی و آشناسازی دانش‌آموزان با مهارت‌های ارتباطی در چارچوب جهت‌گیری‌های کلی مورد نظر خواهد بود.

در دوره متوسطه دوم، دانش‌آموزان باید بتوانند متن‌هایی در حد متوسط را بخوانند و مفاهیم

آن‌ها را دریابند. در ضمن توانایی نوشتن، در حد یک مقاله کوتاه، به زبان خارجی نیز در آن‌ها تقویت شود و از توانایی‌های لازم برای استفاده از منابع در حد متوسط و برقراری ارتباط به یکی از زبان‌های خارجی را داشته باشند.

آموزش به یکی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و یا سایر زبان‌هایی که شورای عالی آموزش و پرورش تصویب کند ارائه خواهد شد.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: آموزش زبان‌های خارجی

باید از دایره تنگ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌های تدوین شده در جهان فراتر رود و به عنوان بستری برای تقویت فرهنگ ملی و باورها و ارزش‌های خودی در نظر گرفته شود. رویکرد آموزش زبان‌های خارجی، رویکرد ارتباطی فعال و خودباورانه است. در سطوح آغازین آموزش، محتوای آموزشی پیرامون موضوعات بومی و نیازهای یادگیرنده چون بهداشت و سلامت، زندگی روزمره، محیط اطراف و ارزش‌ها و فرهنگ جامعه در قالب‌های جذاب انتخاب و سازمان‌دهی می‌شود و در سطوح بالاتر انتخاب و سازماندهی محتوای این حوزه به سمت کارکردهای فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و... متناسب با متون آموزشی سایر حوزه‌های یادگیری و در جهت تعمیق آن‌ها خواهد بود. در پایان دوره متوسطه دوم دانش‌آموزان باید توانایی خواندن و درک متون ساده تخصصی و نوشتن مقاله را کسب کنند. در دوره متوسطه دوم گسترش دامنه واژگان رشته‌های تخصصی به درک بهتر متون و برقراری ارتباط علمی کمک می‌کند.

۱۱- حوزه تربیت و یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده

برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، آموزش‌های مرتبط با آداب و مهارت‌های زندگی و خانواده به عنوان فرصتی برای به‌کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های واقعی زندگی و متناسب با تفاوت‌های فردی و شرایط و مقتضیات محلی، وظیفه آماده کردن فرد برای ورود آگاهانه و مسئولانه به زندگی خانوادگی و اجتماعی را بر عهده دارد. آداب و مهارت‌های زندگی مکمل یکدیگر و هر دو به دنبال آموزش سبک و آیین زندگی‌اند. بدین جهت نباید مرزی بین این دو ترسیم کرد.

ضرورت و کارکرد حوزه: در جامعه امروز افراد برای حفظ و عمل به باورها و ارزش‌های

دینی - اخلاقی، به الگوها، دانش و مهارت‌هایی نیاز دارند که به آن‌ها در برقراری ارتباط سازنده در چهار عرصه (ارتباط با خود، خدا، خلق، خلقت) کمک کند. انسان‌ها آن گونه زندگی می‌کنند که می‌اندیشند. باورها، گرایش‌ها و افکار آدمیان در سبک و نحوه زندگی ایشان تأثیر دارد. آموزش‌های این حوزه می‌تواند به یکپارچه شدن یادگیری و سامان دادن ارتباط‌های انسانی و تعمیم آن به موقعیت‌های جدید کمک کند.

قلمرو حوزه: آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، شایستگی‌های لازم برای خود مدیریتی دانش‌آموزان در اداره امور روزمره زندگی شامل: آداب معاشرت، آداب معیشت، مدیریت زمان، کارکرد، وظایف و مهارت‌های خانوادگی، آمادگی برای تشکیل خانواده و ایفای نقش والدینی، مدیریت رفتارهای هیجانی و تربیت عاطفی، مدیریت اوقات فراغت، خودآگاهی، مهارت‌های تحصیلی و مطالعه، آداب زندگی در محیط مجازی، هویت‌یابی، ارتباط مؤثر، مراقبت از محیط زیست، مدیریت بحران و خطر، مهارت کار با دیگران و مهارت‌های پدافند غیر عامل و آمادگی دفاعی را فراهم می‌کند.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه: انتخاب و سازماندهی فعالیت‌های یادگیری برای آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تابع شرایط و مقتضیات فرهنگی دانش‌آموزان است. از این رو، ضروری است آموزش از متن زندگی و در متن زندگی رخ دهد. تدارک فرصت‌های تربیتی که در آن دانش‌آموزان بتوانند به کسب تجربه در موقعیت‌های واقعی زندگی (به صورت فردی و گروهی) دست یابند جهت گیری اصلی در آموزش مهارت‌هاست. برگزاری اردوهای علمی، فرهنگی، زیارتی، شبیه‌سازی موقعیت‌های مرجع، توجه به شیوه‌های آموزش انفرادی، غیرمستقیم و تجربی از این جمله است. سازماندهی محتوای فعالیت‌های یادگیری این حوزه به تناسب نیاز و شرایط دوره‌های تحصیلی و با توجه به زمینه‌های آموزش تا پایان دوره آموزش عمومی به صورت تلفیقی در سایر دروس خواهد بود.

۹- اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری

راهبردهای یاددهی یادگیری باید بتواند بستر لازم را برای تحقق اهداف برنامه درسی و تربیتی در راستای شکوفایی فطرت و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه تدارک ببیند. برای تحقق این مهم علاوه بر اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری به شرح زیر خواهد بود:

- ۹-۱- امکان درک و تفسیر پدیده‌ها، وقایع، و روابط را در موقعیت‌های واقعی زندگی تدارک ببیند، به گونه‌ای که شرایط را برای درک و تصمیم‌گیری در مورد مسائلی که دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف با آن مواجه می‌شوند با رعایت نظام معیار اسلامی فراهم کند.
- ۹-۲- انگیزه دانش‌آموزان را از طریق کاوشگری در تلاش مداوم برای یافتن پاسخ پرسش‌هایی درباره پدیده‌ها، وقایع و روابط آن‌ها شکوفا و تقویت کند.
- ۹-۳- امکان درک و تفسیر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه‌های علت و معلولی یا وابستگی پدیده‌ها را همراه با افزایش بصیرت در دانش‌آموزان فراهم کند.
- ۹-۴- فرصت‌هایی را تدارک ببیند که شایستگی‌های کسب شده در فواصل زمانی توسط دانش‌آموز مرور و تصمیماتی برای تعدیل، بازنگری یا ادامه مسیر یادگیری توسط او اخذ شود.
- ۹-۵- فرصت لازم برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیری‌های جدید را به صورت یکپارچه و معنادار جهت تحقق ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و توسعه شایستگی‌ها فراهم کند.
- ۹-۶- با بهره‌مندی فزون‌تر از روش‌های فعال، خلاق و تعالی بخش^۱ و با سازمان دهی نوآورانه و خلاق فرآیند جمع‌آوری و انباشت حقایق، زمینه ساختن علم و معرفت را فراهم نماید.
- ۹-۷- صرفاً به انتقال دانش محدود نشده بلکه زمینه تولید علم از سوی دانش‌آموزان را با تأکید بر مشارکت آنان در مفهوم، تدارک ببیند.

۱- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش - آذرماه ۱۳۹۰ - ص ۲۷

۸-۹- زمینه تعامل مؤثر دانش‌آموزان را با معلم، همسالان و انواع محیط‌های یادگیری فراهم کند.

۹-۹- زمینه بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین آموزشی را فراهم نماید و استفاده از آن‌ها را با نگاه تقویتی و تکمیلی یا توانمندسازی (نه نگاه جایگزینی و واگذاری) دنبال کند.

۱۰- اصول حاکم بر ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی

برای نظام بخشی به تصمیمات در خصوص ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی در کلیه دوره‌های تحصیلی اصول زیر باید مد نظر برنامه‌ریزان درسی و معلمان قرار گیرد:

۱-۱۰- با استفاده از انواع روش‌ها و ابزارها، بتواند توانایی دانش‌آموزان، را در بهره‌گیری از شایستگی‌های پایه در موقعیت‌های مختلف، به صورت معنادار منعکس نماید.

۲-۱۰- با ارائه شواهد متنوع و کافی، امکان قضاوت در خصوص سطح دستیابی دانش‌آموزان به اهداف برنامه درسی را تعیین نماید.

۳-۱۰- به صورت منعطف و مستمر، با توجه به وجوه متفاوت یادگیری هریک از دانش‌آموزان، فرآیند دستیابی به اهداف و چگونگی اقدام مؤثر را منعکس نماید.

۴-۱۰- با تأکید بر خودآگاهی، خودارزیابی و تصمیم‌گیری از سوی دانش‌آموزان، چگونگی جبران، رفع کاستی‌ها و دستیابی به سطوح بالاتر شایستگی در هریک از حوزه‌های یادگیری را تدارک ببیند.

۵-۱۰- برای حفظ شأن و کرامت انسانی دانش‌آموزان و تقویت خودپنداره مثبت آنان از بکارگیری روش‌ها و ابزارهای ارزش‌یابی اضطراب‌آور و مایوس‌کننده، پرهیز شود.

۶-۱۰- برای تبیین و منعکس نمودن ظرفیت‌های وجودی و وجوه توانایی‌های متفاوت هریک از دانش‌آموزان، امکان مشارکت سایر دانش‌آموزان، مربیان و اولیاء در امر سنجش را فراهم کند.

۷-۱۰- در فرآیند ارزش‌یابی، نقش محوری و تصمیم‌سازی مدرسه و معلم در چارچوب سیاست‌های کلی آموزش و پرورش حفظ شود.

۸-۱- طراحی و اجرای نظام ارزش یابی نتیجه محور بر اساس استانداردهای ملی برای گذر از دوره‌های تحصیلی، رویکرد ارزش یابی فرآیند محور در ارتقای پایه‌های تحصیلی دوره ابتدایی و رویکرد تلفیقی (فرآیند محور و نتیجه محور) در سایر پایه‌های تحصیلی مبنا قرار گیرد.

۹-۱- با تأکید بر کار گروهی و فعالیت‌های جمعی و روش حل مسئله، وجه رقابت‌زایی یا رقابت جویی را به حداقل برساند و زمینه شکوفایی دانش‌آموزان را فراهم کند.

۱۰-۱- ارزش یابی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از فرایند یاددهی - یادگیری تلقی شده و از نتایج آن برای برنامه‌ریزی رشد حرفه‌ای معلمان و بهبود برنامه‌درسی و نظام آموزشی استفاده شود.

۱۱-۱- با تأکید بر بهره‌گیری از تکالیف عملکردی در سنجش میزان دستیابی دانش‌آموزان به شایستگی‌ها و تلاش برای تحقق جامعه عدل مهدوی (عج) و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه، گزارش عملکرد تحصیلی و تربیتی آنان با همکاری دانش‌آموز، اولیا مدرسه و والدین تنظیم و ارایه شود.

۱۱- فرآیند تولید و اجرای برنامه‌های درسی و تربیتی

تولید و اجرای برنامه‌های درسی و تربیتی بر اساس مراحل و فرآیند ذیل انجام می‌شود:

۱۱-۱- تحلیل اهداف کلان آموزش و پرورش و ویژگی‌های حیات طیبه براساس سند تحول

بنیادین

۱۱-۲- تحلیل عناصر برنامه درسی ملی و استخراج دلالت‌ها

۱۱-۳- تحلیل نیازها و پژوهش‌های انجام شده در حوزه تربیت و یادگیری در سطح منطقه‌ای،

ملی و جهانی

۱۱-۴- تهیه راهنمای برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری (تعیین اهداف، استانداردهای

محتوا، نتایج یادگیری و...)

۱۱-۵- اعتبار بخشی راهنمای برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری

۱۱-۶- بررسی و تأیید راهنمای برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری در سازمان پژوهش

و برنامه‌ریزی آموزشی

۷-۱۱- تصویب راهنمای برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری در شورای عالی آموزش

و پرورش

۸-۱۱- اجرای برنامه

۹-۱۱- اعتبار بخشی و ارزش‌یابی

۱۰-۱۱- ارزش‌یابی از برنامه‌های درسی هر یک از حوزه‌های تربیت و یادگیری پس از گذشت

سه سال از اجرای سراسری هر برنامه در هر یک از دوره‌های سه ساله تحصیلی توسط سازمان پژوهش

و برنامه‌ریزی آموزشی انجام و نتیجه به شورای عالی آموزش و پرورش گزارش می‌شود.

فرآیند تولید برنامه‌های درسی و تربیتی حوزه‌های تربیت و یادگیری



۱- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی موظف است چارچوب راهنمای برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری و همچنین آیین‌نامه مورد نیاز برای اجرایی کردن راهکار ۵-۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را حداکثر ظرف مدت ۶ ماه تهیه و جهت بررسی و تصویب به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه نماید.

۱۲- سیاست‌های تولید مواد و رسانه‌های یادگیری

در طراحی و تولید مواد و رسانه‌های یادگیری و در راستای تحقق رویکرد برنامه درسی ملی، سیاست‌های زیر مورد تأکید می‌باشد:

- ۱۲-۱- تعیین استانداردهای ملی برای مواد و رسانه‌ها، مراکز و منابع یادگیری و تصویب آن در شورای عالی آموزش و پرورش و نظارت بر حسن اجرای آن توسط وزارت آموزش و پرورش؛
- ۱۲-۲- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی با رویکرد حل مسئله در تولید مواد و رسانه‌های یادگیری؛
- ۱۲-۳- توسعه سیاست چند تألیفی و زمینه‌سازی برای مشارکت فعال استان‌ها، معلمان، مربیان، افراد و تشکل‌های ذی‌علاقه و ذی‌صلاح با تأکید بر بخش غیر دولتی در تولید، تکمیل و غنی‌سازی مواد، منابع و مراکز متنوع یادگیری در چارچوب سیاست‌های آموزش و پرورش؛
- ۱۲-۴- بسترسازی برای بسط و توسعه تجارب و ابتکارات معلمان و مربیان و دانش‌آموزان در طراحی، ساخت و ارزش‌یابی مواد و منابع یاددهی و یادگیری؛
- ۱۲-۵- توسعه و تقویت مراکز و منابع یادگیری داخل و خارج از مدرسه به ویژه جامعه محلی و بهره‌برداری از آنها؛
- ۱۲-۶- تولید و توزیع مواد و منابع یادگیری متناسب با توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مناطق و مدارس کشور برای تحقق عدالت تربیتی؛
- ۱۲-۷- تولید محتوای الکترونیکی چندرسانه‌ای متناسب با نیاز معلمان و دانش‌آموزان و استفاده هوشمندانه از آنها؛
- ۱۲-۸- تأکید بر سیاست برنامه محوری و تولید بسته‌های آموزشی؛
- ۱۲-۹- توانمندسازی مدرسه برای ایفای نقش اصلی و محوری در نیل به وضع مطلوب در تولید و بهره‌برداری از مواد و رسانه‌های یادگیری، مراکز و منابع متنوع یادگیری.

۱۳- ساختار و زمان آموزش

۱۳-۱- ساختار نظام آموزش و پرورش

۱- ساختار نظام تحصیلی آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران براساس مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شامل ۶ سال دوره ابتدایی و ۶ سال دوره متوسطه (جمعاً دوازده سال) است. هر دوره تحصیلی نیز به دو دوره سه ساله تقسیم می‌شود^۱؛

۲- دوران تحصیل رسمی و عمومی، با توجه به ماهیت و ویژگی برنامه‌های درسی شامل دوره آموزش عمومی (مركب از دوره ابتدایی و دوره متوسطه اول) و نیمه تخصصی (دوره متوسطه دوم) خواهد بود و در پایان دوره متوسطه دوم به دانش‌آموزان مدرک دیپلم اعطا می‌شود؛

۳- دوره پیش دبستان به دوره دو ساله رسمی و غیر اجباری اطلاق می‌شود که کودکان گروه سنی ۵ و ۶ سال را تحت پوشش برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار می‌دهد. برنامه‌های آموزشی و تربیتی این دوره و میزان حضور نوآموزان در مراکز پیش‌دبستانی با توجه به ویژگی‌های کودکان منعطف و سیال است.

۴- سن شروع دوره ابتدایی، ۶ سال تمام خواهد بود. برنامه‌های درسی سه سال اول دوره ابتدایی به صورت منعطف با عنایت به توانایی‌ها و تفاوت‌های دانش‌آموزان تدوین و در آن آموزش‌های پیش نیاز و جبرانی ویژه کودکان مناطق محروم و دوزبانه پیش بینی می‌شود؛

۵- مشاوره و هدایت تحصیلی و تربیتی در همه دوره‌های تحصیلی الزامی است. انتخاب شاخه و رشته تحصیلی در پایان دوره آموزش عمومی و بر اساس نتایج عملکرد درسی و تربیتی در طول این دوره تحصیلی صورت می‌گیرد؛

۶- دوره متوسطه دوم دارای سه شاخه نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش است؛ هر یک از شاخه‌های این دوره دارای رشته‌هایی خواهد بود که تنوع آن‌ها براساس نیاز جامعه، اقتضای زمان و امکان اجرای آن تعیین می‌شود.

۱- مطابق مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰).

۲-۱۳- زمان تعلیم و تربیت

۱- سال تحصیلی از اول مهر ماه هر سال شروع و تا پایان شهریور ماه سال بعد ادامه خواهد

داشت؛

زمان آموزش^۱ هر پایه تحصیلی در دوره ابتدایی ۹۲۵ ساعت، در دوره متوسطه اول ۱۱۱۰ ساعت و در دوره متوسطه دوم شاخه نظری ۱۲۹۵ ساعت و شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش ۱۴۸۰ ساعت خواهد بود. علاوه بر این، در تمامی پایه‌ها ۵۰ ساعت به فعالیت‌های خارج از کلاس و مدرسه متناسب با اقتضات برنامه درسی هر حوزه یادگیری اختصاص می‌یابد و ۵۰ ساعت متناسب با شرایط و اقتضات محیطی در اختیار استان‌ها، مناطق و مدارس قرار می‌گیرد^۲ (جمعاً ۱۰۰ ساعت).

۲- با عنایت به راهکار ۵-۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش^۳ و بنا به ضرورت پاسخگویی به نیازها و اقتضات محلی و منطقه‌ای، برنامه‌ریزی و تأمین محتوای بخشی از زمان رسمی تعلیم و تربیت در اختیار استان، منطقه و مدرسه خواهد بود که در چارچوب آئین‌نامه‌های ابلاغی برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود؛

۳- ساعات کار هفتگی دوره ابتدایی ۲۵ ساعت در کلیه پایه‌ها و زمان هر جلسه در پایه‌های اول، دوم و سوم ۴۵ دقیقه و در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ۵۰ دقیقه می‌باشد. میانگین ساعات کار

۱- منظور از زمان آموزش زمان اختصاص یافته به کلیه فعالیت‌های رسمی آموزشی و پرورشی درون و بیرون مدرسه است که در برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری برای آن‌ها تعیین تکلیف می‌شود.

۲- از نمونه فعالیت‌های رسمی خارج از کلاس و مدرسه می‌توان: مشاهده طبیعت، انجام فعالیت میدانی و بازدید از موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و مراکز علمی، تولیدی، فرهنگی (موزه‌ها، کانون‌های تربیتی محله و ...)، مذهبی (مساجد، زیارتگاه‌ها، دارالقرآن‌ها و ...)، نهادها و مؤسسات اجتماعی، شرکت در فعالیت‌های ورزشی، شرکت در فعالیت گروه‌ها و انجمن‌های علمی، اردوهای علمی، زیارتی و سیاحتی و ... را نام برد.

۳- اختصاص حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه‌های آموزشی به معرفی حرفه‌ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم، نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان‌ها به ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی-ایرانی دانش‌آموزان در چارچوب ایجاد کارآمدی و تقویت هویت ملی.

هفتگی دوره متوسطه اول ۳۰ ساعت در کلیه پایه‌ها و زمان هر جلسه ۵۰ دقیقه می‌باشد، و ساعات کار هفتگی دوره متوسطه دوم نظری حداکثر ۳۵ ساعت در کلیه پایه‌ها و زمان هر جلسه ۵۰ دقیقه می‌باشد و ساعات کار هفتگی دوره متوسطه دوم فنی و حرفه‌ای و کاردانش متناسب با رشته‌های تحصیلی حداکثر ۴۰ ساعت در کلیه پایه‌ها و زمان هر جلسه ۵۰ دقیقه می‌باشد^۱.

تبصره: زمان اختصاص یافته به هر جلسه و زمان استراحت بین آنها مجموعاً ۶۰ دقیقه می‌باشد و تلفیق دو جلسه درسی بویژه در دوره ابتدایی مجاز نمی‌باشد.

۴- جدول عناوین دروس و زمان اختصاص یافته به آنها از سوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی پیشنهاد و به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش خواهد رسید؛

۵- وزارت آموزش و پرورش مسئولیت زمینه‌سازی لازم برای هدایت و غنی‌سازی زمان غیررسمی تعلیم تربیت در خانه، مدرسه و خارج از مدرسه را بر عهده دارد.

۶- وزارت آموزش و پرورش موظف است از مشارکت حداکثری خانواده‌ها، دستگاه‌های فرهنگی، هنری، خدماتی، مذهبی، تولیدی و... برای طراحی و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های خارج از کلاس و مدرسه، به‌خصوص بخشی از برنامه‌ها که در تابستان اجرا می‌شود استفاده نماید.

۱۴- سیاست‌ها و الزامات اجرایی

اجرای برنامه درسی ملی به‌عنوان یکی از زیر نظام‌های مؤثر در تحقق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و در چارچوب مفاهیم و راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مستلزم اتخاذ سیاست‌های کارآمد و اثر بخش، فراهم آوردن شرایط، امکانات، منابع و زیر ساخت‌های فنی و تخصصی می‌باشد. برخی از اهم این سیاست‌ها و الزامات عبارتند از:

۱- ۱۴- تهیه برنامه جامع، فراگیر و بلندمدت مشتمل بر کلیه اقدامات و فعالیت‌های مورد نیاز بخش‌های مختلف درون آموزش و پرورش براساس برنامه درسی ملی و تأیید و ابلاغ آن توسط وزیر آموزش و پرورش؛

۱- مبنای محاسبه زمان آموزش و امتحانات ۳۷ هفته از اول مهر ماه تا پایان خرداد ماه می‌باشد.

- ۲-۱۴- طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی با رعایت استانداردها، حفظ مصالح ملی، افزایش مشارکت کلیه مجریان در سطوح مختلف با تأکید بر کاهش تمرکز؛
- ۳-۱۴- بکارگیری روش‌های مؤثر در تأمین، نگهداشت و ارتقای نیروی انسانی متخصص اعم از کارشناسان، مشاوران و ناظران علمی به منظور طراحی و تدوین راهنمای برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری؛
- ۴-۱۴- اختصاص منابع مالی مناسب و حمایت‌های حقوقی و اداری برای اجرا و نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های مصوب؛
- ۵-۱۴- بکارگیری روش‌های اثر بخش در اشاعه برنامه درسی ملی، فرهنگ سازی و نهادینه کردن آن با استفاده از ظرفیت‌های درون و بیرون آموزش و پرورش؛
- ۶-۱۴- فراهم آوردن استلزامات اداری و ساختار سازمانی مناسب برای پایش مستمر برنامه درسی ملی و بهبود آن و انجام مطالعات و پژوهش‌های مورد نیاز؛
- ۷-۱۴- ایجاد فرصت‌های متنوع و بکارگیری راهکارهای اثربخش برای ارتقای توانمندی‌های ذی‌نفعان به‌ویژه معلمان و مدیران جهت ارتقای سطح عملکرد مدارس در اجرای برنامه درسی ملی؛
- ۸-۱۴- تجهیز مدارس به فناوری‌های نوین، کتابخانه، آزمایشگاه و کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای.

۱۵- ارزش‌یابی برنامه درسی ملی

ارزش‌یابی برنامه درسی ملی به منظور فراهم آوردن اطلاعات توصیفی و قضاوتی برای درک بیشتر، هدایت، تصمیم‌گیری و پاسخ‌گویی نسبت به میزان اثربخشی و چگونگی اجرا و تحقق اهداف و نتایج برنامه انجام می‌شود.

این ارزش‌یابی با رعایت موارد زیر انجام می‌پذیرد:

- ۱-۱۵- ارزش‌یابی برنامه درسی ملی با نظارت شورای عالی آموزش و پرورش و توسط وزارت آموزش و پرورش انجام می‌شود، طرح ارزش‌یابی و نحوه کاربست نتایج آن توسط وزارت آموزش و

پرورش و با مشارکت سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی پیشنهاد و به تأیید شورای عالی آموزش و پرورش خواهد رسید.

۱۵-۲- ارزشیابی از برنامه درسی ملی باید به عنوان فرایندی مستمر و پویا در نظر گرفته شود و انواعی از اطلاعات مورد نیاز را با استفاده از روش‌های کمی و کیفی جمع‌آوری و در ادوار زمانی ۲ تا ۳ سال به شورای عالی آموزش و پرورش گزارش نماید؛

۱۵-۳- تصمیم‌گیری در خصوص ارزشیابی از فرایند اجرای برنامه درسی ملی برای اصلاح شیوه‌های اجرایی و انعکاس یافته‌ها به سطوح بالاتر تصمیم‌گیری به صورت تشخیصی، تکوینی و پایانی برعهده سطوح مختلف اجرایی در نظام آموزشی است؛

۱۵-۴- ارزشیابی برنامه درسی ملی متکی بر ملاک‌ها، شاخص‌ها و نشانگرهای روشن و منعکس‌کننده سهم و نقش هر کدام از عناصر مؤثر و میزان تحقق اهداف و سطح دستیابی به شایستگی‌های پایه می‌باشد؛

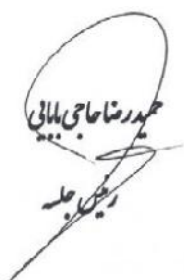
۱۵-۵- رعایت حقوق متوازن و متعادل دانش‌آموزان و مجریان برنامه در سطوح مختلف (مدرسه، منطقه، استان و کشوری) و فراهم آوردن زمینه ارتقاء کیفیت برنامه‌های آموزشی و تربیتی و رشد حرفه‌ای مجریان در سطوح مختلف؛

۱۵-۶- میزان ارزشمندی، جامعیت، کارآمدی، اثربخشی و مشکلات اجرایی آن را در سطوح مختلف ملی، استانی، منطقه‌ای و مدرسه‌ای، به صورت منصفانه منعکس کرده و امکان بهبود برنامه درسی و تعالی عملکرد نظام آموزشی را فراهم می‌نماید؛

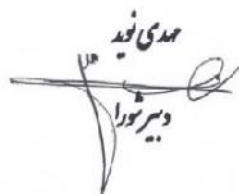
۱۵-۷- امکان مشارکت تمامی افراد ذی‌نفع و ذی‌ربط در فرایند ارزشیابی را فراهم می‌آورد؛

۱۵-۸- بازنگری و به روز رسانی برنامه درسی ملی براساس نتایج ارزشیابی به‌عمل آمده حداکثر در فواصل زمانی ۵ تا ۱۰ ساله به پیشنهاد سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و با تصویب شورای عالی آموزش و پرورش انجام خواهد شد.

موضوع: برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران در جلسات ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱ و ۸۷۲ تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۹، ۱۳۹۰/۱۲/۱۶، ۱۳۹۱/۵/۳، ۱۳۹۱/۵/۹، ۱۳۹۱/۵/۱۶، ۱۳۹۱/۵/۲۳، ۱۳۹۱/۵/۳۱، ۱۳۹۱/۶/۶، ۱۳۹۱/۶/۱۳، ۱۳۹۱/۶/۲۰، ۱۳۹۱/۶/۲۸ و به تصویب نهایی رسید و از تاریخ ابلاغ لازم الاجرا است و کلیه مصوبات و سیاست‌های قبلی در موارد مغایر با آن منسوخ و بلااثر و در سایر موارد براساس آن مورد بازنگری و اصلاح قرار می‌گیرد.

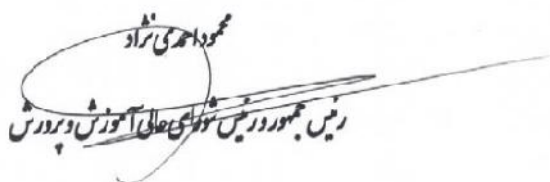


مهدی تالعی



مهدی تالعی

برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران مورد تأیید است.



مهدی تالعی

پیوست

۱- مبانی برنامه درسی ملی^۱

مبانی برنامه درسی ملی، برگرفته از فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران؛ فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران؛ سند ملی آموزش و پرورش و مطالعات کمیته تخصصی کلیات است و بر دلالت‌های مهم زیر که باید نگرش حاکم بر عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی ملی را شکل دهد، تأکید می‌ورزد.

۱/۱- مبانی هستی‌شناختی

مقصود از مبانی هستی‌شناختی، مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی تبیینی درباره حقیقت وجود و احکام کلی آن و نیز واقعیات جهان است که در مباحث جهان‌بینی اسلامی یا در حوزه دانش فلسفه اسلامی، به طور مدلل و مبرهن مطرح شده یا مفروض قرار گرفته‌اند.

۱/۱/۱- خداوند مبدأ و غایت هستی است؛

۱/۱/۲- خداوند خالق جهان و مالک، مدبر و ربّ حقیقی همه موجودات عالم است؛

۱/۱/۳- خداوند خیر بنیادین و بنیاد خیر است و همه موجودات عالم را به سوی کمال شایسته

آن‌ها هدایت می‌کند؛

۱/۱/۴- هستی واقعیت دارد؛

۱/۱/۵- نظام آفرینش از حیات، شعور، قانون‌مندی، هدف‌مندی و هماهنگی برخوردار است؛

۱/۱/۶- نظام آفرینش دارای مراتب شهود و غیب است و هر یک از این مراتب خود نیز دارای

مراتبی است؛

۱/۱/۷- در جهان هستی در عین وحدت، کثرت وجود دارد (وحدت در کثرت و کثرت در

وحدت)؛

۱/۱/۸- نظام آفرینش وجودی مستقل نداشته، بلکه هویتی تعلقی به رب‌العالمین دارد؛

۱/۱/۹- نظام آفرینش، صبرورتنی پیوسته و به سوی خدا دارد؛

۱- این بخش که در تهیه و تدوین پیشنهاد برنامه درسی ملی مورد استفاده کارشناسان قرار گرفته است به دلیل ماهیت غیر تصویبی آن،

عیناً از نگاشت پنجم برنامه درسی ملی ارسالی از سوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آورده شده است.

۱/۱/۱- نظام آفرینش، «فعل» و «آیت» خداوند است؛
۱/۱/۱۱- نظام آفرینش عرصه تربیت انسان است و مربی آن پروردگار متعال است؛
۱/۱/۱۲- حیات اخروی و همه واقعیت‌های آن در مقایسه با حیات دنیوی نامحدود، پایان‌ناپذیر و جاودان است؛

۱/۱/۱۳- جهان طبیعت در حال شدن و دگرگونی و حرکت مداوم است؛

۱/۱/۱۴- نظام آفرینش به طبیعت خلاصه نمی‌شود؛

۱/۲- مبانی انسان‌شناختی

مراد از مبانی انسان‌شناختی، آن دسته از گزاره‌های توصیفی تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است که از تعالیم اسلامی یا معارف اصیل اسلامی یا از مباحث مربوط به تربیت انسان در فلسفه اسلامی (علم النفس فلسفی) استخراج شده‌اند و باید آن‌ها را به لحاظ نقش محوری تبیین و ترسیم سیمای انسان در هر نظریه فلسفی تربیت، سنگ بنای اصلی هرگونه توصیف و تبیینی از فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی دانست.

۱/۲/۱- انسان موجودی است مرکب از جسم و روح که به یکدیگر تنیده شده و در تعامل با یکدیگر می‌باشند؛

۱/۲/۲- حقیقت انسان، روح اوست و کمال و جاودانگی آدمی به کمال و بقای روح مربوط می‌شود؛

۱/۲/۳- انسان فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است؛

۱/۲/۴- انسان‌ها در نظام آفرینش از کرامت الهی و شأن یکسان برخوردار هستند؛

۱/۲/۵- انسان موجودی صاحب اختیار در تعیین سرنوشت خویش است که می‌تواند مستقل از عواملی چون محیط و وراثت، هویت خویش را رقم بزند. انسان مجبور در اختیار و مختار در عمل است و براساس انتخاب خویش می‌تواند هویت خویش را تعریف کند؛

۱/۲/۶- آفرینش انسان، هدف‌مند و در هماهنگی کامل با غایت هستی است؛

۱/۲/۷- وجود انسان همواره در حال شدن، حرکت و دگرگونی است؛

۱/۲/۸- انسان موجودی است که استعدادهای متنوع، قابل رشد و تعالی مداوم دارد؛

- ۱/۲/۹- انسان برحسب فطرت و آفرینش خویش، جویای همه مراتب کمال (تا حد بی‌نهایت) است؛
- ۱/۲/۱۰- انسان موجودی اجتماعی، تأثیرپذیر از جامعه و تأثیرگذار بر آن است؛
- ۱/۲/۱۱- هویت انسان، برآیند نوع ارتباط او با خویشتن، خدا، خلق و خلقت است؛
- ۱/۲/۱۲- انسان در تکوین و تحول هویت خود، نقش اساسی دارد؛
- ۱/۲/۱۳- هویت آدمی دو وجه فردی و جمعی دارد که در انواع و جنبه‌های مختلف تحقق می‌یابد؛
- ۱/۲/۱۴- تفکر و تعقل، ایمان و باور، علم و معرفت، اخلاق و عمل مداوم، عناصر اصلی شکل‌دهی و ارتقاء هویت انسان می‌باشند؛
- ۱/۲/۱۵- انسان همواره در موقعیت است و می‌تواند آن را درک کند و با انتخاب احسن خویش موقعیت موجود را به سوی موقعیت مطلوب تغییر دهد؛
- ۱/۲/۱۶- انسان برای توفیق در روند تحول و ارتقاء هویت خویش نیازمند هدایت الهی است؛
- ۱/۲/۱۷- انسان موجودی مکلف است و نسبت به تکالیف خود، اصالتاً در برابر خداوند و به تبع آن در برابر دیگران مسئولیت دارد؛
- ۱/۲/۱۸- سنت‌های الهی بر زندگی انسان حاکم است؛
- ۱/۲/۱۹- انسان حیاتی بی‌پایان دارد و سرنوشت هر کس در حیات اخروی او، به انتخاب و هویت او در دنیا بستگی دارد؛
- ۱/۲/۲۰- همه انسان‌ها از حقوق ذاتی برابر برخوردارند؛
- ۱/۲/۲۱- انسان‌ها ضمن این‌که طبیعت و فطرت مشترک دارند، دارای خصوصیات متفاوت جنسیتی، فردی، قومی و فرهنگی می‌باشند؛
- ۱/۲/۲۲- آدمی موجودی است در معرض انواع مخاطرات و موانع و تهدیدهای بیرونی و درونی از قبیل نفس اماره و دنیا؛
- ۱/۲/۲۳- وجود انسان در برابر رب‌العالمین فقر محض است و هویتی تعلقی به او دارد؛
- ۱/۲/۲۴- انسان از استعداد و توان نامحدودی برای رسیدن به مراتبی از عبودیت و حیات طیبه برخوردار است؛

۱/۲/۲۵- انسان در نظام آفرینش برای طی هر مرتبه از کمال، نیازمند به مربی است؛
۱/۲/۲۶- انسان موجودی است یادگیرنده، تربیت‌پذیر و برخوردار از ظرفیت نامتناهی
رشد‌یابندگی؛

۱/۲/۲۷- انسان دارای ویژگی‌هایی چون حرص، بخل، عجله و... در نفس خود می‌باشد که این
ویژگی‌ها می‌تواند با تربیت توحیدی زمینه‌ساز رشد و تعالی او شود؛
۱/۲/۲۸- انسان به صورت مستمر و دائمی در معرض آزمایش و ابتلا و مواجهه با دشواری‌ها و
راحتی‌هاست و این خود زمینه‌ساز رشد و تعالی یا سقوط و انحطاط اوست که تجلی آن در قیامت است؛
۱/۲/۲۹- خداوند، انسان را «بر فطرت پاک» آفریده است و کفر، شرک، نفاق و دیگر رذائل
بر اثر نوع برخورد انسان با محیط، انتخاب نادرست و ارتباط غلط او با خود، خدا، خلق و خلقت بر
وی عارض می‌شود؛

۱/۲/۳۰- انسان دارای نیازهای گسترده و متنوعی (مادی، معنوی) است که باید در تربیت او
به گونه‌ای منسجم و متعادل مورد توجه قرار گیرد؛

۱/۲/۳۱- شخصیت آدمی (شاکله) حاصل تربیت اوست. اگر شخصیت آدمی با فطرت او
هماهنگ و منطبق باشد، انسان متعادل است و اگر با فطرت او انطباق نداشته باشد، دارای شخصیتی
نامتعادل است. هم‌چنین اگر با فطرت آدمی در تضاد و تقابل باشد، انسان از شخصیت آدمی خارج
می‌شود و با حیوانات و پست‌تر از آن‌ها هم‌تراز می‌گردد؛

۱/۲/۳۲- موانع اصلی حرکت متعالی انسان عبارت‌اند از: نفس اماره، دنیاطلبی و شیطان.

۱/۳- مبانی معرفت‌شناختی

منظور از مبانی معرفت‌شناختی مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره شناخت آدمی
و حدود و ثغور آن است که بنا بر سنت متعارف در مباحث فلسفی معاصر و با توجه به اهمیت بسیار
عرصه معرفت‌شناسی در تبیین فلسفه تربیت، مبانی مربوط به این عرصه از مبانی عام انسان‌شناختی
متمایز گشته است.

۱/۳/۱- انسان در شناخت هستی و درک موقعیت خود و دیگران در آن توانایی دارد؛

۱/۳/۲- علم دارای اقسام حقیقی و اقسام اعتباری است؛
۱/۳/۳- منابع شناخت آدمی متعدد است و شامل وحی (قرآن و عترت)، عقل، قلب، تجربه (جامعه، تاریخ و طبیعت) است؛

۱/۳/۴- انسان هم در مقام نظر و هم عمل، توانایی تعقل (عقل‌ورزی) دارد؛
۱/۳/۵- تعقل در شناخت حقیقت هستی و کسب سعادت جاوید نقش محوری دارد؛
۱/۳/۶- علم در عین کشف واقع (از منظر معلوم)، محصول ابداع (از منظر عالم) است؛
۱/۳/۷- معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت (نفس‌الامر) است؛
۱/۳/۸- علم در عین ثبات (از منظر معلوم)، دارای ویژگی پویایی (از منظر عالم) است؛
۱/۳/۹- شناخت آدمی با موانعی از قبیل پیروی از هوای نفس، التزام به عادات و سنت‌های غلط نیاکان، خودباختگی در برابر بزرگان و قدرت‌ها و نیز محدودیت‌هایی چون میزان ظرفیت و توان فرد و ناتوانی عقل نسبت به درک بخشی از حقایق هستی همراه است؛
۱/۳/۱۰- علم انسان مراتب و سطوح مختلف دارد؛
۱/۳/۱۱- ابزار شناخت و معرفت عبارت‌اند از: حواس، خیال، فکر، عقل، شهود و مکاشفه (قلب). شایان ذکر است که در این میان، تفکر و تعقل نقش اساسی در شناخت حقیقت هستی و سعادت جاوید دارد؛

۱/۳/۱۲- علم به مثابه کشف فعل خدا، دینی است؛

۱/۳/۱۳- تحصیل معرفت محدودیت زمانی ندارد.

۱/۴- مبانی ارزش‌شناختی

مقصود از مبانی ارزش‌شناختی گزاره‌هایی درباره منابع، ویژگی‌ها و مصادیق ارزش‌ها در ارتباط با عرصه‌ها چهارگانه خدا، خود، خلق و خلقت است.

منابع و ویژگی ارزش‌ها

۱/۴/۱- دین (عقل و فطرت، قرآن و سنت) منبع همه ارزش‌هاست و سایر ارزش‌ها از آن کسب اعتبار می‌کند؛

۱/۴/۲- ارزش‌های حقیقی (معتبر) مفاهیم و گزاره‌هایی‌اند که با تکیه بر واقعیت‌های مربوط به عمل آدمی و نتایج آن، ارزش‌گذاری شده‌اند؛

۱/۴/۳- عمل و انتخاب آدمی همواره در پرتو ارزش‌گذاری او محقق می‌شود؛

۱/۴/۴- ارزش‌ها دو دسته‌اند: ثابت (مطلق) و غیر ثابت (مشروط و متغیر)؛

۱/۴/۵- ارزش زیباشناختی هم ناظر به واقعیت‌های عینی است و هم وابسته به ادراک فرد؛

۱/۴/۶- تأثیر کامل التزام به ارزش‌ها، تابع هم حسن فعلی و هم حسن فاعلی است؛

۱/۴/۷- سلسله مراتب ارزش‌ها با غایت زندگی (حیات طیبه) ارتباط دارند؛

۱/۴/۸- دستیابی به حیات طیبه تنها بر اساس انتخاب و التزام آزادانه و آگاهانه به نظام معیار که

ارزش‌های مقبول دین حق است، امکان‌پذیر می‌باشد؛

۱/۴/۹- تحقق حیات طیبه به گونه‌ای یکپارچه، همه ابعاد فردی و جمعی زندگی انسان از جمله

رعایت توازن و اعتدال را در همه ابعاد شامل می‌شود؛

اهم مصادیق ارزش‌ها

الف) ارزش‌های مرتبط با خدا

۱/۴/۱۰- توحید، قرب الی الله، عبودیت و حیات طیبه در رأس همه ارزش‌هاست و مصداق

حقیقی غایت زندگی انسان است؛

۱/۴/۱۱- محورهای اساسی ارزش‌ها در پنج عنصر تفکر، تعقل و حکمت/ ایمان و باور به

مبدأ و معاد/ علم، معرفت و بصیرت/ کار مفید، مجاهدت و عمل صالح/ اخلاق کریمه و فضائل نفسانی

خلاصه می‌شود و در این بین، عناصر تفکر و تعقل و ایمان به مبدأ و معاد، نقش بنیادی دارند؛

۱/۴/۱۲- انس و التزام عملی به قرآن کریم، دوستی عترت و اهل بیت عصمت و طهارت

علیهم‌السلام خاصه حضرت مهدی (عج) و اطاعت از آن بزرگواران از مهم‌ترین ارزش‌ها و راه‌های نیل

به حیات طیبه است؛

۱/۴/۱۳- تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر از جمله راه‌های مهم در جهت نیل به

حیات طیبه است؛

۱/۴/۱۴- توجه به ارزش‌های الهی در ارتباط با خدا تعیین کننده هویت ارزشی انسان است؛

۱/۴/۱۵- عبادت آگاهانه و پرستش عاشقانه خداوند متعال، نقش اساسی در رشد و تعالی انسان دارد.

(ب) ارزش‌های مرتبط با خود (جسمی، روانی و روحی)

۱/۴/۱۶- عمل مبتنی بر ایمان و تفکر؛

۱/۴/۱۷- کسب روزی حلال؛

۱/۴/۱۸- حفظ و ارتقاء سلامت و بهداشت فردی؛

۱/۴/۱۹- برخورداری از حیا و عفت، آراستگی ظاهری و پوشیدن لباس مناسب؛

۱/۴/۲۰- فعالیت و تلاش و پرهیز از بطلالت و بیکاری؛

۱/۴/۲۱- پرهیز از اسراف و زیاده خواهی؛

۱/۴/۲۲- حفظ عزت نفس و کرامت انسانی؛

۱/۴/۲۳- خود یادگیری و خودسازی مستمر و مادام‌العمر؛

۱/۴/۲۴- رعایت توازن بین درآمد و هزینه (قناعت) و صبر در امور؛

۱/۴/۲۵- سعی و اهتمام در کسب، حفظ و تکمیل ارزش‌های اخلاقی؛

۱/۴/۲۶- پایبندی به احکام شرعی به ویژه انجام واجبات و ترک محرمات.

(ج) ارزش‌های مرتبط با خلق (خانواده، جامعه و کشور، امت اسلامی و جامعه جهانی)
ج. ۱/ ارزش‌های مربوط به خانواده:

۱/۴/۲۷- احترام، احسان و مهرورزی به والدین و اعضای خانواده؛

۱/۴/۲۸- احترام و خدمت به بزرگسالان، محبت به خردسالان و توجه به نیاز و تربیت کودکان و رعایت حقوق آنان؛

۱/۴/۲۹- مشورت و بهره‌گیری از تجارب بزرگ‌تران و سالخوردگان؛

۱/۴/۳۰- توجه به حقوق همسر و فرزندان.

ج. ۲/ ارزش‌های مربوط به جامعه و کشور:

- ۱/۴/۳۱- ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی و منافع ملی بر منافع حزبی و گروهی؛
- ۱/۴/۳۲- احترام به قانون و قانون‌مداری بر مبنای قانون اساسی؛
- ۱/۴/۳۳- توجه به آزادی مسئولانه و عدالت اجتماعی؛
- ۱/۴/۳۴- همکاری، تعاون و مشارکت اجتماعی و احترام به آحاد جامعه؛
- ۱/۴/۳۵- رأفت، احسان و خدمات عام‌المنفعه و ماندگار؛
- ۱/۴/۳۶- پاسداشت از خدمات شخصیت‌های مؤثر در عرصه‌های مهم فرهنگی، اعتقادی، علمی و فناوری، ادبی، سیاسی، هنری و اجتماعی در تاریخ و تمدن ایران و اسلام؛
- ۱/۴/۳۷- باور و التزام عملی به ولایت فقیه به عنوان ادامه‌دهنده راه انبیا؛
- ۱/۴/۳۸- احترام به مظاهر ملی (پرچم، سرود ملی، زبان فارسی، جشن‌های ملی)؛
- ۱/۴/۳۹- تعظیم شعائر اسلامی؛
- ۱/۴/۴۰- التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی ایران و تلاش در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی؛

- ۱/۴/۴۱- وطن‌دوستی، ایثارگری، فداکاری و شهادت‌طلبی در جهت حفظ ارزش‌های الهی و کيان جمهوری اسلامی ایران؛
- ۱/۴/۴۲- ارتقاء جایگاه علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و معنوی ایران در عرصه بین‌الملل.

ج. ۳/ ارزش‌های مربوط به امت اسلامی:

- ۱/۴/۴۳- وحدت و همبستگی بین مسلمانان؛
- ۱/۴/۴۴- دفاع از مسلمانان تحت ستم و کمک و یاری آنان در حد توان؛
- ۱/۴/۴۵- اهتمام و سعی و کوشش در جهت حلّ معضلات و مشکلات مسلمانان؛
- ۱/۴/۴۶- مشارکت فعال در همکاری با مسلمانان جهان در امور فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛

۱/۴/۴۷- ارتقاء جایگاه امت اسلامی در کلیه عرصه‌ها در جهان به ویژه در عرصه‌های علمی، فناوری، معنوی و اخلاقی.

ج. ۴) ارزش‌های مربوط به جامعه جهانی :

۱/۴/۴۸- احترام به حقوق انسان‌ها در راستای تعمیم سعادت و ایجاد امید و آینده‌ای روشن برای همه انسان‌ها؛

۱/۴/۴۹- مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل در جهت ایجاد صلح و عدالت در جهان؛

۱/۴/۵۰- احترام به پیمان‌های معتبر جهانی؛

۱/۴/۵۱- حضور فعال در عرصه‌های جهانی براساس حفظ عزت ملی و عدالت و مساوات در بین ملت‌ها؛

۱/۴/۵۲- احترام به ادیان الهی و تقویت روابط انسانی با پیروان آن‌ها؛

۱/۴/۵۳- گسترش مبانی ارزش‌های اسلامی به ویژه عدالت و فضایل اخلاقی و معنوی در جهان؛

۱/۴/۵۴- ترویج انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) در جهت ایجاد حکومت عدل جهانی؛

۱/۴/۵۵- گسترش فرهنگ گفت‌وگو و استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز در حل مسائل بین‌المللی مبتنی بر ارزش‌های توحیدی؛

۱/۴/۵۶- تلاش در جهت حل مشکلات جهانی از قبیل روابط ظالمانه، فقر، بیماری و تبعیض.

د) ارزش‌های مربوط به خلقت :

د. ۱) طبیعت

۱/۴/۵۷- رعایت موازین اخلاقی و معنوی در ارتباط با طبیعت و محیط زیست؛

۱/۴/۵۸- احساس مسئولیت در برابر پدیده‌های خلقت و همکاری در حفاظت از زمین، گیاهان و جانوران (اعم از خشکی و دریا) و حفظ تعادل در آب و هوا؛

۱/۴/۵۹- کمک به حفاظت و توسعه زیست بوم شهری، روستایی و محیط طبیعی در جهت بقا

و ارتقاء کیفیت محیط و توسعه پایدار (حفظ رودها، دریاچه‌ها، جنگل‌ها، تالاب‌ها، زیستگاه‌های حیات وحش، غارها، چشم‌اندازهای طبیعی و اکوسیستم‌های دریایی)؛

۱/۴/۶۰- نگاه به طبیعت به عنوان مخلوقات و امانت الهی و کتاب معرفت؛

۱/۴/۶۱- کشف قابلیت‌های طبیعت و بهره‌برداری عاقلانه و مسئولانه از منابع و مواهب طبیعی؛

۱/۴/۶۲- اعتقاد به برخورداری همه مظاهر خلقت از مراتبی از حیات و شعور.

د. ۲) ماوراء طبیعت

۱/۴/۶۳- علاقه به مراتب فوق طبیعت در هستی و برقراری ارتباط سازنده با آن؛

۱/۴/۶۴- توجه به عالم غیب و ملائکه و تأثیرگذاری ایشان در زندگی انسان؛

۱/۴/۶۵- توجه به استمرار و جاودانگی حیات انسان بعد از مرگ و تأثیر سازنده آن در زندگی

انسان.

۱/۵- مبانی دین‌شناختی (بالمعنی الاخص)

این دسته از مبانی به مباحثی درباره شأن و جایگاه دین اسلام و مقاصد تربیتی آن در ارتباط با برنامه درسی اشاره دارد. بیان این گزاره‌ها از آن جهت ضروری است که آموزه‌های اسلام ناب محمدی - به عنوان دین حق - در همه اجزا و عناصر برنامه درسی از جمله مقاصد غایی تربیت انسان، طرز تلقی نسبت به متری، محتوای برنامه درسی، روش‌های یاددهی یادگیری، جایگاه معلم و مربی، مواد آموزشی و شیوه ارزش‌یابی کاربرد دارد؛

۱/۵/۱- اسلام مجموعه‌ای است به هم پیوسته و منسجم از عقاید، معارف، نظام‌ها، احکام فردی و اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی که انسان را در چهار عرصه ارتباط با خود، خدا، خلق و خلقت، حول محور ارتباط با خدا راهبری کرده و او را به سعادت جاویدان می‌رساند؛

۱/۵/۲- اسلام، راه و روش زندگی بر مبنای دستورهای الهی است که مبتنی بر عقل، قرآن، سنت و عترت پیامبر علیهم‌السلام است و در جهت درک مراتبی از عبودیت الهی در راستای حیات طیبه به بشریت ارائه شده است؛

۱/۵/۳- اسلام دینی است جهانی، اجتماعی و همه‌جانبه‌نگر که بر اساس اجتهاد روش‌مند و پویا

برنامه زندگی انسان را متناسب با شرایط زمان و مکان در همه شرایط ترسیم می‌کند؛
۱/۵/۴- اسلام به دنبال تربیت افرادی متفکر، مؤمن، عالم، عامل، مؤدب و دارای اخلاق کریمه
است؛

۱/۵/۵- اسلام جهت هدایت فرد و جامعه در ابعاد عقلانی، معنوی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی،
اقتصادی، سیاسی، علمی و عملی، به دنبال تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری در برابر خدا است؛
۱/۵/۶- اسلام به دنبال ایجاد جامعه‌ای بویا، مجاهد، مسئول و اثرگذار در زندگی بشریت است؛
۱/۵/۷- مقصد نهایی حکومت در اسلام، زمینه‌سازی جهت رشد و شکوفایی فطرت الهی
انسان به منظور دستیابی به کمال فردی و نیز گسترش عدالت و تشکیل تمدن اسلامی در راستای
ظهور و تشکیل دولت عدل جهانی است؛

۱/۵/۸- اسلام معتقد است که مطالعه جهان مادی و جهان معنوی باید توأمان صورت گیرد؛ زیرا
این دو جهان از یکدیگر جدا نبوده و ارتباط تنگاتنگ و قانون‌مند با یکدیگر دارند؛
۱/۵/۹- شناخت صحیح و جامع دین اسلام، مستلزم فهم مؤمنانه و روش‌مند قرآن کریم و تبیین
عینی و علمی آن توسط حضرات معصومین علیهم‌السلام است؛
۱/۵/۱۰- در بینش اسلام هر انسانی مخلوق و مربی خداست و برای درک مراتبی از عبودیت
الهی آفریده شده است؛

۱/۵/۱۱- انسان‌ها در عین برخورداری از مشترکات اساسی، ظرفیت‌های متفاوت دارند و هر
کس به اندازه توان و وسع خویش مکلف است؛

۱/۵/۱۲- متعالی‌ترین لایه هویتی انسان، هویت توحیدی است که فراتر از مرزبندی‌های
جنسیتی، قومی، نژادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد؛

۱/۵/۱۳- اسلام بر تنوع در روش‌های یاددهی- یادگیری (مشاهده آیات، تدبر و تعمق، صحبت
و گفت‌وگو، تجربه، تفکر فردی و جمعی، تهذیب نفس، داستان‌گویی، تأسی از اسوه‌های حسنه و غیره)
و تکرار در محیط یادگیری (خانواده، طبیعت، مسجد، مدرسه، محیط اجتماعی، محیط کار و غیره)
تأکید دارد؛

۱/۵/۱۴- تهذیب نفس و تقوا موجب افزایش ظرفیت روحی و یادگیری انسان و دستیابی به توانمندی‌های معنوی می‌شود؛

۱/۵/۱۵- خانواده، یکی از مهم‌ترین ارکان در تربیت فرزندان است و بر تعامل عاطفی والدین با فرزندان تأکید شده است؛

۱/۵/۱۶- والدین مسئولیت تربیت فرزندان را بر عهده داشته و باید ضمن انتخاب محیط تربیتی مناسب برای فرزند خویش، بر فرایند تربیت نیز نظارت فعال نمایند؛

۱/۵/۱۷- مربی جایگاه محوری در تحقق اهداف تربیتی دارد و به مثابه الگوی هدایت‌کننده مربی، ادامه‌دهنده راه انبیا و تسهیل‌کننده تحقق اهداف آن‌ها قلمداد می‌شود؛

۱/۵/۱۸- انسان به صورت مستمر و دائمی در معرض آزمون الهی بوده و در مواجهه با سختی‌ها و دشواری‌ها تربیت می‌شود.

۱/۶- مبانی روان‌شناختی

مبانی روان‌شناختی برنامه درسی ملی عمدتاً برگرفته از گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش است و به طرح مهم‌ترین گزاره‌های کاربردی روان‌شناسی در برنامه‌ریزی درسی اشاره دارد؛

۱/۶/۱- شخصیت آدمی نظام به هم پیوسته و یکپارچه‌ای متشکل از خرده نظام‌های شناختی، عاطفی، ایمانی، اخلاقی و تجارب عملکردی انسان است. این خرده نظام‌ها در تعامل با یکدیگر بوده و موجبات رشد شخصیت آدمی را فراهم می‌کند. رفتار آدمی محصول تعامل این خرده نظام‌هاست؛

۱/۶/۲- خرده نظام شناختی مجموعه‌ای از فرایندهای هوشی و عقلانی است که محصول نهایی آن به شکل تصورات و تصدیقات در ذهن انسان تجلی می‌یابد؛

۱/۶/۳- فرایندهای شناختی، از عملکرد ساده حواس پنج‌گانه ظاهری آغاز شده و به دریافت و استنتاج پیچیده انتزاعی و عقلانی می‌رسد؛

۱/۶/۴- خرده نظام عاطفی متشکل از نظام‌های واسطه‌ای مثل غراتر، صفات، خلق‌وخو و

فرایندهای واکنشی اکتسابی است و در شکل احساساتی چون محبت، شوق، عصبانیت، نفرت، پرخاشگری، افسردگی و غیره خود را نشان می‌دهد؛

۱/۶/۵- رشد اخلاقی حاصل تعامل عوامل متعددی نظیر تفکر و تعقل، ایمان، علم و عمل، به‌ویژه تلاش‌های خودسازی درونی است؛

۱/۶/۶- رشد تفکر در متربیان مبتنی بر نظامی از منطق درونی است که از طریق سازماندهی و سازگاری تربی با تجارب جدید رشد می‌یابد؛

۱/۶/۷- رشد ایمانی حاصل تفکر و معرفت، وابستگی عاطفی و باورهای قلبی و اراده و تصمیم‌گیری است؛

۱/۶/۸- رفتار عبارت است از مطلق حرکت انسان که عمل، بخشی از آن است؛

۱/۶/۹- عمل، رفتار آگاهانه و ارادی مبتنی بر مبانی و علل و عواملی مانند علل زیستی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی است؛

۱/۶/۱۰- تربی از زمان تولد تا لحظه مرگ در حال تغییر و دگرگونی است و در طول زندگی خود، از مراحل مختلف تغییرات جسمی، شناختی، عقلانی، عاطفی، ایمانی، اخلاقی و عملکردی عبور می‌کند. برنامه درسی باید ضمن لحاظ کردن این تغییرات، فرایند رشد تربی را در ابعاد مختلف تسهیل بخشد؛

۱/۶/۱۱- علایق و نیازهای متربیان و محدوده اهداف تعلیم و تربیت در دوره‌های مختلف تحصیلی متفاوت است؛

۱/۶/۱۲- متربیان در جریان رشد، نیازمند راهنمایی و مشاوره‌اند؛

۱/۶/۱۳- متربیان اگر چه از نظر فطری با یکدیگر تشابه دارند و دارای نیازهای اساسی مشترکی‌اند، اما تحت تأثیر وراثت، محیط و نتایج اعمال و رفتار از یکدیگر متفاوت می‌شوند؛

۱/۶/۱۴- متربیان برای یادگیری هر موضوعی نیازمند رسیدن به سن رسش خاصی‌اند؛

۱/۶/۱۵- انگیزش‌های درونی و بیرونی به موقع، موجب تقویت زمینه رشد متربیان خواهد

شد؛

۱/۶/۱۶- رشد، محصول تربیت است؛

۱/۶/۱۷- تربیت، فرایندی تحولی است که در اثر تفکر، تعقل، شهود، ایمان، علم، عمل، تجربه و تقویت ملکات نفسانی به دست می‌آید؛

۱/۶/۱۸- یادگیری، زمینه‌ساز تربیت انسان است و دارای مراتب، سطوح و ابعاد گوناگون است؛

۱/۶/۱۹- رشد آدمی تابع سنن و قوانین جهان شمول می‌باشد که در خلقت انسان قرار داده شده است؛

۱/۶/۲۰- رشد تکوینی آدمی نه صرفاً تابعی از محیط است و نه صرفاً امری زیستی است، بلکه متأثر از هر دو عامل است؛

۱/۶/۲۱- انسان اساساً طبیعتی فعال دارد، بدین لحاظ مربی در جریان تربیت، نیازمند مدیریتی فعال است.

۱/۷- مبانی جامعه‌شناختی

مبانی جامعه‌شناختی برنامه درسی ملی عمدتاً برگرفته از مبانی جامعه‌شناختی مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش است. این بخش به طرح گزاره‌هایی در ارتباط با کاربرد یافته‌های جامعه‌شناسی در برنامه‌ریزی درسی اشاره دارد؛

۱/۷/۱- جامعه «مربک حقیقی» است (نه اعتباری) و دارای روح جمعی متأثر از اندیشه‌ها، انگیزه‌ها، عاطفه‌ها، رفتارها و خواسته‌های افراد است؛

۱/۷/۲- انسان محکوم و تابع تغییرات اجتماعی نیست؛ بلکه در موقعیت خویش و در بحران‌های اجتماعی، از امکان و توان لازم جهت هدایت و دخل و تصرف در مؤلفه‌های تحولات اجتماعی برخوردار است؛

۱/۷/۳- هم‌سویی و هماهنگی جامعه با نظام قانون‌مند هستی و سنت‌های الهی، موجب رشد و تعالی جامعه شده و دوام و تعالی آن را تضمین می‌کند؛

۱/۷/۴- برنامه درسی به دنبال ایجاد رابطه تعاملی با جامعه و استعلای فردی و اجتماعی است؛

۱/۷/۵- تربیت افرادی جامعه‌پذیر و اصلاح هنجارهای نامطلوب در جامعه از جمله اهداف برنامه‌های درسی است؛

۱/۷/۶- برنامه درسی ملی باید به ایجاد تعادل و توازن در جامعه و آگاه کردن متربیان در ایفای نقش مسئولانه در جامعه کمک نماید؛

۱/۷/۷- جامعه ایران (شهری، روستایی و عشایری) علاوه بر این‌که فرهنگ مشترکی دارد، از خرده‌فرهنگ‌های مختلفی نیز تشکیل شده است، برنامه درسی در برخورد با فرهنگ ملی و خرده فرهنگ‌ها باید نقش فعال، وحدت‌گرا و تعالی بخشی ایفا کند، همچنین پاسخگوی نیازهای متنوع اجتماعی باشد؛

۱/۷/۸- نهاد تعلیم و تربیت، مهم‌ترین بخش فرهنگ است و با سایر نهادها در ارتباط متقابل می‌باشد و وظیفه دارد ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و مطالبات اجتماعی رسالت تربیتی خود را به درستی ایفا کند؛

۱/۷/۹- پیشگیری از بازتولید نابرابری‌های اجتماعی و گسترش عدالت در جامعه از رسالت‌های اساسی برنامه‌های درسی و تربیتی است؛

۱/۷/۱۰- برنامه‌ها درسی و تربیتی وظیفه دارند ضمن ایجاد تعامل منطقی با جامعه و اثرگذاری مثبت در لایه‌های مختلف آن، مسئولیت‌پذیری را در متربیان نهادینه کرده و از آن‌ها در مقابله با هرگونه هجوم هویتی و فرهنگی پاسداری کنند؛

۱/۷/۱۱- اصلاح و ارتقاء فرهنگ جامعه یکی از مهم‌ترین رسالت‌های برنامه درسی است؛

۱/۷/۱۲- نهاد خانواده شریک اصلی مدرسه در طراحی و اجرای برنامه درسی است؛ خانواده مسئولیت‌پذیری خود را در تربیت فرزند باید پذیرا باشد و نقش خود را در این خصوص به خوبی ایفا نماید؛

۱/۷/۱۳- مدرسه پس از خانواده زمینه‌ساز کسب نخستین تجربه اجتماعی از طریق فراهم کردن شرایط برای ارتباط مناسب متربیان با یکدیگر است؛

۱/۷/۱۴- زمینه‌سازی برای کسب شایستگی‌ها توسط آحاد جامعه، عامل رشد اجتماعی است؛

۱/۷/۱۵- هم‌سویی جامعه با برنامه درسی ملی موجبات توسعه و تعالی جامعه را فراهم می‌کند؛
۱/۷/۱۶- برنامه‌های درسی و تربیتی باید در رابطه‌ای تعاملی و دوسویه، ضمن پاسخ‌گویی
مسئولانه به نیازهای نهادهای اجتماعی، از ظرفیت و امکانات این نهادها در جهت نیل به اهداف تربیتی
استفاده کنند.